

[۳] این قرار ما نبود

[۳] طرح «سرا» یا سراب

[۵] تئوری جنگ و انقلاب اسلامی
نقد قدرت و انقلاب اسلامی

مصائب بنزینی

[۳]

[۲] آسیب شناسی اعتراضات بنزینی

[۳] جمع بندی دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در رابطه با افزایش ناگهانی و چشمگیر قیمت بنزین
اغتشاش در غیاب نهادهای مدنی و صنفی

احمد حکیمی پور در گفت و گو با روزنامه «آرمان ملی»:

[۳] کشور را پرهزینه اداره نکنیم

نباید اولین راه حل، دست کردن در جیب مردم باشد

مبلغ عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان:

[۸] جمهوری که امام تعریف کرد با وضع موجود سازگاری ندارد

به بهانه ۲۵ نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان، کمیته زنان حزب اراده ملت ایران (حامی) بررسی می کند:

توانمندسازی زنان در جامعه مهم ترین راه حل مبارزه با خشونت علیه زنان

[۷]



اولویت بندی حقوق زنان [۷]

سرمقاله

رسانه های بهای دموکراسی



شمس افزازی
روزنامه نگار و فعال سیاسی اصلاح طلب

shamsafzari56@gmail.com

صاحب نظران و اندیشمندانی که به دنبال جامعه سالم، به لحاظ شاخص های دموکراتیک هستند، به خوبی دریافته اند که شهروندان یک جامعه، در بیان آراء و افکار و عقاید باید آزاد باشند؛ و این آزادی عقاید، بخش غیره قابل انکار حیات اجتماعی و سیاسی شهروندان را تشکیل می دهد. شهروندان باید از این حق طبیعی اجتماعی-سیاسی، استفاده برده و نیروی خلاقه ذهنی خود را برای بهبود وضعیت جامعه پرورش و از تراوشات فکری و عقلانی خود، در جهت این مهم به نفع جامعه، استفاده ببرند و رسانه ها بهترین ابزار برای استیفای این حق طبیعی هستند. شهروندان باید از طریق این ابزار بدون قید و شرط و بدون لکت زبان یا ترسی، افکار خود را بیان و در معرض دید و استفاده جامعه قرار دهند. در قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک و مرفعی دنیا، به صراحت آمده است، «مردم را نباید از حق بیان، نوشتن و انتشار افکار و عقایدشان محروم ساخت» و همواره از آزادی رسانه به مثابه یکی از مهم ترین آزادی های سلب ناشدنی جوامع، اشاره شده است. کارکرد مطبوعات در جوامع دموکراتیک امروزی، شامل نقد و بررسی و نظارت بر عملکرد حاکمیت، اطلاع رسانی شفاف، افزایش آگاهی عمومی در وجوه مختلف توسعه، فرهنگ مشارکت مدنی، تشویق و تقویت روحیه مطالبه گری شهروندان و... است.

آزادی رسانه و مطبوعات می تواند وجه مهم تحولات دموکراتیک در جامعه باشد، لذا به همین دلیل به عنوان یکی از شاخص های مهم نظام های دموکراتیک از آن یاد می شود. هر چه میزان شفافیت حکومت ها بیشتر می شود، اعتماد عمومی نسبت به آنها افزایش یافته و نهایتاً از مشروعیت بیشتری برخوردار می شوند. لذا این امر امکان پذیر نخواهد بود، مگر در سایه رسانه های آزاد و رعایت اصل آزادی رسانه و مطبوعات. نقش نقادانه رسانه ها در تمامی شئون حاکمیتی و از پایین ترین سطوح و لایه های اجتماعی-سیاسی تا عالی ترین مراتب حکومتی باید محقق شود. در جوامعی که حکومت ها بسا ارزش های دموکراتیک فاصله دارند و نقد و نظارت بر مسائل اساسی جامعه با محدودیت مواجه می شود، رسانه ها نقش کم رنگی در انعکاس واقعیت های سیاسی-اجتماعی را دارند. در این جوامع معمولاً نقد و نظارت بر مسائل سطح پایین مدیریت اجتماعی-سیاسی صورت می پذیرد و حکومت ها، با خط کشی های جعلی برای مطبوعات حوزه مانور تعریف و ترسیم می کنند. با چنین کارکردی در واقع رسانه ها، مبلغین و مروجین سیاست گذاری های عمومی حکومت ها قلمداد و نقش رسانه ها و مطبوعات تا حد روابط عمومی و حتی ابزاری برای تبلیغ حاکمیت کاهش پیدا می کند.

بنابراین باید همواره هوشیار بود که مطبوعات و رسانه ها کارکردی غیره مدنی و تحت عنوان تریبون حاکمیت پیدا نکنند. نکته مهم و حائز اهمیت این است که حکومت ها نباید اصل آزادی رسانه و مطبوعات را نادیده بگیرند و یا گاهی به عنوان مدعی و شاکی مطبوعات و رسانه ها ظاهر شوند، زیرا هر نوع مخالفت و مقابله با آزادی بیان، مغایر اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و در کشور ما نیز بخشی از اصول قانون اساسی در حمایت از آزادی بیان و عقاید و اندیشه بوده و با نقض آزادی بیان و مطبوعات به صراحت مخالفت شده است.

در نظام های غیر دموکراتیک و استبدادی همواره با آزادی رسانه و مطبوعات با اشکال مختلف مقابله می شود و معمولاً اصحاب قلم و اندیشه را به بهانه های مختلف غیره حقوقی و غیره قانونی، با حریت تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی و منافع کشور، تحت تعقیب قرار داده و با برخورد های قهریه از این دست، جلوی تولید تفکر و ترویج اندیشه را در جامعه می گیرند و همین رفتار حاکمیت به تدریج زمینه خودسانسوری را در بین مطبوعات و رسانه ها به وجود می آورد.

ادامه در صفحه ۴

آسیب شناسی اعتراضات بنزینی



عرصه سیاسی کشور پیوسته دستخوش تنش های گوناگون و برخی مواقع پرهزینه و نگران کننده است. جناح های گوناگون بی وقفه بر سر موضوعات متفاوت در حوزه های گوناگون یکدیگر، کشور و مدیریت کلان را در معرض انواع چالش های پرهزینه و مخاطره آمیز قرار می دهند.

برپیره نیست اگر گفته شود "خرد" در برخی اذهان کارگزاران مدیریتی نیازمند بروز و کاربردی شدن است. پرسشی که به دفعات در چند سال اخیر مطرح شده است یک بار دیگر باید مطرح شود. دلیل اعتراضات چیست؟ چه عواملی شهروندان را به خیابان کشاند؟ چرا باید شهروندان برای بیان نظرات و دغدغه های خود به

خیابان بیایند؟...

یکی از برجسته ترین ویژگی های صاحب منصبان در کشورها و جوامع در حال توسعه این است که به دلایل گوناگون ناتوان از مدیریت امور جاری انسانی و اجتماعی شهروندان تحت حمایت حاکمیت هستند. اینکه با وجود ناتوانی در مدیریت و حل و فصل انواع چالش های اجتماعی و ملی مصرأ بر یک سری اندیشه ها، راهکارها و... پای فشاری می کنند. یکی از مشخص های مدیران و سیاست ورزان جوامع در حال توسعه این است که برای "آینده" اندیشه، برنامه، طرح و راهکار ندارند و معمولاً، بعد از وقوع اتفاقات در صدد چاره اندیشی می شوند. دلایل احتمالی این گونه عملکرد می تواند این باشد که برخی سیاست ورزان، مدیران و صاحب منصبان فاقد توانایی، اراده، صداقت، دانش لازم و ضروری برای مدیریت کلان جامعه هستند. تحلیل ها و نظرات گوناگون و متعددی پیرامون ناآرامی های اخیر که واکنش شهروندان به افزایش قیمت بنزین بود، از سوی جناح ها، شخصیت ها و صاحب منصبان ارائه شد. شاید وجه مشترک بیشتر تحلیل ها این بود که این گونه ناآرامی ها منافع و امنیت ملی را به مخاطره می اندازد. اینکه شهروندان به خیابان آمدند چون کانال های قانونی، اداری و مدنی برای انتقال نظرات شهروندان در امور گوناگون به مسئولان ارشد مسدود یا ناکارآمد هستند.

صداقت و اراده در ازبایی امور موجب کشف و درک شفاف ریشه های دشواری ها می شود. به عبارتی، بدون صداقت و اراده صرفاً اندیشه ها و اظهارات نامفهوم، بی ربط و غیرمنطقی از اذهان تحلیلگران و قایع سیاسی و اجتماعی بیرون می آید. اجازه دهیم خرد جمعی (فارغ از تمایلات و اندیشه های ساده انگارانه جناحی) در مورد ناآرامی ها قضاوت کند. ناآرامی ها در شهرهای کثیری رخ داد. عده ای به خیابان ها آمدند نظراتی توسط تجمع کنندگان بیان شد، شعارهایی داده شد، رفتار

امام خمینی (ره):

تر رسید از آن روزی که مردم نفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز پرسید که ممکن است یکی از ایام الله - - خدای تعالی خواست بسیار پیدا بشود؛ و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می خوانند! (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص: ۲۸۰؛ صبح ۶ خرداد ۱۳۶۰ در حسینیه جماران و در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی)

امروز سخن از انباشت دردها و آلام ملتی نجیب و دردمند است که بنا به اعتراف دوست و دشمن و همه مسئولین و دست اندرکاران کشور با طیب خاطر و در کمال گذشت و ایثار در راهی قدم گذاشت که کسی را یاری رفتن در آن وادی نبود، ملتی فداکار و مهربان و صبور که بعد از دهها سال پایداری و تحمل هزینه می رود تا آرمان ها و امیدهایش به یأس تبدیل شود. بعد از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و مدیریت اقتضایی و روزمرگی و آزمون و خطا که در شأن ملت و کشور و انقلاب نبوده، ولی این صبر و بردباری هم نه از روی تسلیم و انفعال بلکه برای دادن فرصت کافی به مسئولین جهت حکمرانی درست و کشورداری شایسته در عرصه های داخلی و خارجی بوده است. آنچه مسلم است این تحمل و بردباری روزی سر ریز شده و منجر به بروز وقایع ناگوار در وضع عمومی جامعه و آینده انقلاب و کشور خواهد شد؛ بهسان کوه یخی که فقط بخش اندک بیرونی آن را می توان دید. امری که متأسفانه در سال های اخیر با تجاهل و تغافل مسئولین مواجهه شده است؛ لذا در این رابطه دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران موارد زیر را مورد تذکر و تأکید قرار می دهد:

۱. مسئولین بینرندت مواجهه صادقانه و شفاف با مردم و شنیدن صدای ایشان و گردن نهادن به اراده ملت تنها راه برون رفت از وضعیت پیش رو است، لذا به رسمیت شناختن حق اعتراض و پرهیز از گسترش تلقی ارتباط اعتراضات به خارج از کشور مورد تأکید قرار می گیرد.

۲. قانون اساسی به عنوان میثاق ملی تمامی آحاد ملت و حکومت بوده و تمکین همگان را به فرایندهای مصرح در آن به ویژه مراجعه به آرای عمومی در مواردی که با سرنوشت مردم و منافع ملی ارتباط مستقیم دارد، مهم ترین و معتبرترین بحالی حل و فصل منازعات می دانی. حاکما هر گونه دورزدن قانون و

وطن دوستی باید از ناآرامی های اخیر نگران و عمیقاً به فکر راهبردی عملی به منظور حل و فصل چالش های جدی اجتماعی باشند. صداقت، اراده و باور ذهنی به منافع ملی یگانه مسیر عملی، منطقی و کم هزینه حل و فصل ریشه هایی است که شهروندان را برای شنیده شدن به خیابان ها کشاند. حل و فصل چالش های گوناگون اجتماعی نیازمند درک و قضاوت منصفانه و فرجانی همه نخبگان است. بدون صداقت، اراده و تقدیم مصالح ملی بر مصالح جناحی هیچ جناحی توانایی برطرف کردن دشواری های اجتماعی و هدایت شهروندان و کنترل امور کلان را در بلندمدت نخواهد داشت. اندیشه و عملکرد جناحی ورای چارچوب منافع و امنیت ملی بی شک بازی در زمین دشمن است. دشمنان تنها کسانی هستند که تلاش می کنند در ایران درگیری جناحی و ناکارآمدی مدیریت سیاسی ایجاد

شود.

نسبت دادن ناآرامی ها به کشورهای دیگر منطقی و توجیه پذیر نیست. چرا که این گفته به معنی ضعف نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در مقابله و پیشگیری از نفوذ و دخالت بدخواهان بیگانه در امور داخلی است. در این صورت باید فکری عاجل برای تقویت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کرد. اینکه کشورهای بیگانه و بدخواه ایران پیوسته در صدد نفوذ، دخالت و تأثیرگذاری بر اراده، اهداف، برنامه ها و تصمیم های نخبگان سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و... هستند چیز جدیدی نیست و اینکه امری بسیار رایج در روابط بین الملل است و اما اینکه گفته شود ناآرامی ها صرفاً نتیجه نفوذ، دخالت و هدایت بیگانگان است امری ساده لوحانه یا شانه خالی کردن از قبول مسئولیت و پاسخگو بودن بخشی از مدیریت کلان سیاسی در قبال چالش های گوناگون و درد و رنج شهروندان است. کشورهای بیگانه و بدخواه ایران به تهایتی مسئول فساد اقتصادی، اداری و

ناکارآمدی در عرصه های گوناگون که ریشه به خیابان آمدن شهروندان شد، نیستند. شاید مقصر دانستن بیگانگان برای انواع چالش ها و مشکلات داخلی صرفاً ندیدن و انکار مسئولیت برخی مدیران برای حل و فصل درد و رنج شهروندان باشد. عدم تکنیک انبوه معترضین دردمند از اندکی عوامل اغتشاشگر مرتبط با بیگانگان، حاکی از عدم درک و پندیرش واقعیت عینی، ملموس و انکارناپذیر شرایط اجتماعی و ناکارآمدی مدیریت کلان سیاسی است. صاحب منصبان به ویژه آن دسته ای که خود را صاحب و وارث انقلاب می دانند باید بینرند که در کشور فقر، فساد، ناکارآمدی، ناامیدی، انواع فشارهای روانی، بیسکاری و ناهماهنگی وجود دارد. با توجه به وجود دشمنان بیگانه که پیوسته در پی برهم زدن و تضعیف حاکمیت ملی هستند، برای حفظ منافع و امنیت ملی چاره ای جز صداقت، پاسخگو بودن و دریافت درک کارسردی از چیستی و اهمیت منافع ملی از سوی سیاست ورزان به عنوان تنها مسیر عملی و کم هزینه ایجاد ثبات، توسعه، امنیت، رفاه و آرامش و کارآمدی مدیریت سیاسی وجود ندارد.

کارگزاران، سیاست ورزان و صاحب منصبانی که صادقانه دغدغه امنیت و منافع ملی، سلامت و آینده ایران زمین را دارند، باید بینرند که مدیریت کلان سیاسی (حکمرانی) در جهان معاصر برخلاف قرون پیشین، با وجود انواع چالش های اقتصادی، معیشت شهروندان، روابط خارجه پرهزینه و متشنج، آموزش و پرورش غیرکاربردی، بهداشت و درمان گران و کم یاب و... آرام، کم هزینه، پایدار، کارآمد و... نخواهد بود.

شاید زمان آن فرا رسیده است تا کارگزاران و صاحب منصبان اختلاف های جناحی را کنار گذاشته و

جمع بندی دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در رابطه با افزایش ناگهانی و چشمگیر قیمت بنزین

اغتشاش در غیاب نهادهای مدنی و صنفی

خواهند کشاند، از این روی می بایست از هر گونه فرصت دهی به فرصت طلبان و فرصت سوزی برای دلسوزان صادق و واقعی کشور اکیداً احتراز کرد.

۴. به زعم حاکم بروز و وقوع این گونه اعتراضات ریشه در جامعه توده وار و ذرای دارد که در غیاب نهادهای مدنی و صنفی نمایان می شود. چنانچه احزاب، سندیکاکها و تشکل های اجتماعی فعال و با معنی واقع کلمه در کشور حضور داشته باشند می توانند به عنوان نهادهای واسط تنظیم کنندهدی مناسبات مردم و حاکمیت و دسته بندی مطالبات مردم و پیگیری آن ها از مجاری قانونی و حقوقی عمل کرده و از انباشت اعتراضات و خشم و عصبانیهایی که موجب خسارات و هزینه های سنگین در کشور می شود، جلوگیری کنند.

۵. برخورد فعال و کنشی با این قبیل حوادث می بایست جایگزین مواجهه واکنشی گردد، زیرا شک نباید کرد در چنین فضای (قطبی رادیکال) امکان تحلیل و تدبیر واقع بینانه دشوار است. برای کنش شایسته و کم هزینه ضرورت دارد نظام سیاسی فاصله تدابیر یا تحولات را به حداقل برساند؛ بی شک یکی از مطمئن ترین مسیرها برای عینیت بخشیدن به این مهم محرم دانستن مردم به عنوان صاحبان اصلی کشور و نظام توسط مسئولین در عمل و نه در شعار می باشد.

۶. در شرایطی که کشور گران اداره می شود، وارد کردن انواع فشار اقتصادی به مردم به جای تدبیر عاقلانه امور هتر نیست. در وضعیت تحریم، فشار حداکثری و گرانی روزافزون، همه اقشار جامعه از جمله مسئولین می بایست باسویه این شرایط را تحمل کنند.

۷. حاکما معتقد است بخش بزرگی از علل وقوع این گونه رویدادها در سال های اخیر به تلاش هایی برمی گردد که از سوی برخی اشخاص و جریانات صورت پذیرفت تا سیاست تشنه زدایی و تعامل با نظام بین الملل را با توسل به انواع ترندها به بن بست کشانند.

۸. در خاتمه یادآور می گردد ضمن پرهیز از بیگانه خطاب کردن عموم آسیب دیدگان اعتراضات اخیر، مسئولین امر تلاش وافر نمایند تا با دلجویی از ایشان، نهال امید را مجدداً در دل مردم بارور سازند.

دوم آذرماه ۱۳۹۸

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران



دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران طی جلسات متعددی که در هفته منتهی به پایان آبان ماه ۹۸ در محل دفتر مرکزی حزب برگزار کرد در خصوص حوادث اخیر کشور بعد از تصمیم گیری های صورت گرفته در رابطه با افزایش ناگهانی و چشمگیر قیمت بنزین، به شرح زیر جمع بندی خود را به اطلاع مردم و مسئولین ایران می رساند:

فرآیندهای حقوقی مستقر در کشور را به هر بهانه و توجیهی مردود می داند. ۳. قطعاً در فضای قطبی رادیکال کشور و در فقدان حضور نیروهای وززیده ی کارآمد، دلسوز و تأثیرگذار که در دستر تحقق حکمرانی حزبی بروز و ظهور پیدا می کنند و نیز در غیاب نهادهای مدنی و قانونی، چنین وضعیت هایی مورد سوء استفاده ی معاندین می گردد که به صورت کاملاً حرفه ای سوار بر موج اعتراض مردم شده و آن را مصادره و به پی راهه

احمد حکیمی پور در گفت و گو با روزنامه «آرمان ملی»:

کشور را پرهزینه اداره نکنیم

نباید اولین راه حل، دست کردن در جیب مردم باشد



که در سال ۹۸ بسر می بریم در فاصله دو سال بعد از اعتراضات قبلی اعتراضات جدیدی شکل گرفت. این نشان می دهد انباشت مطالبات وجود دارد. در نتیجه باید از این فرجه که چند هفته یا چند ماه یا چند سال است، استفاده کرد و ضمن کاهش ناراضیاتی ها به بخش هایی از مطالبات مردم نیز رسیدگی شود. باز کردن راه اعتراض قانونی، تقویت احزاب و جامعه مدنی و همچنین به کار انداختن فرایندهای سیاسی می تواند در این زمینه مؤثر باشد.

دیدم می شود که برخی جریان ها تلاش دارند همه چیز را گردن دولت بیندازند و از زیر بار مسئولیت تصمیم جمعی فرار کنند از زبانی شما

از این موضوع چگونه است؟

باید ببینیم اکنون در یک طرف نه فقط دولت، بلکه کلیت نظام قرار دارد و در سوی دیگر مردمی که مطالبه دارند. نباید بگوییم دولت بد بود یا دولت توانست بلکه همه باید دست به دست هم دهیم تا این مطالبات برآورده شود و حالت انباشته پیدا نکند. این جا بحث دولت و مجلس و قوه قضائیه نباید داشته باشیم، بحث کلی است.

مسئولان باید چه کنند تا ناراضیاتی عمومی کاهش یابد؟

نباید همواره اولین راه حلی که به ذهن مسئولان ما می رسد، مایه گذاشتن از مردم و دست کردن در جیب مردم باشد. گاهی باید به ذهن و عقلمان فشار بیاوریم به جای مردم و راهی بهتر برای تأمین کسری ها پیدا کنیم. کشور ما بسیار پرهزینه اداره می شود و اسراف و اتلاف زیادی در هزینه کرد منابع وجود دارد. وقتی می دانیم در آمدن کاهش یافته و در تأمین منابع مشکل داریم، باید صرفه جویی کنیم و راهی برای جلوگیری از بحرانی شدن شرایط بیابیم.

بسیاری از مشکلات اقتصادی امروز از تحریم ناشی می شود. چه راه دیگری برای دولت وجود داشت؟ آیا فکر می کنید باید تجدیدنظری صورت می گرفت؟

بله حتماً همین است. اگر تجدیدنظر نکنیم که شرایط سخت تر نیز خواهد شد. برخی در هر بزرگای انتقال مشکلات به مردم را ترجیح می دهند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند. این دولت با شعار تعامل با جهان بر سر کار آمد و نباید بر طبل تقابل بکوبد. بسیاری در این سال ها تلاش کردند که تعامل با جهان شکست بخورد. آنها باید پاسخگو ی مسائل و مشکلات معیشتی مردم باشند. یک نقطه پایانی باید این تقابل داشته باشد که مردم بینرند تا آن زمان مقاومت کنند. با این روش چه دستاوردی عایدان خواهد شد؟ فقط هم بحث سیاست خارجی نیست. خیلی از مشکلات ما نیز در داخل ناشی از بی مدیریت می است. باید در این روش مدیریتی که اکنون وجود دارد تجدیدنظر کنیم تا بتوانیم توقیفی در زمینه اداره کشور داشته باشیم.

دیدگاه

آرمان ملی: افزایش ناگهانی قیمت بنزین سبب بروز اعتراضاتی در کشور شد که یک هفته به طول انجامید؛ این اعتراضات گرچه به پایان رسید اما برخی کارشناسان هشدار می دهند ممکن است در آینده به بهانه های گوناگون ناراضیاتی مردم در خیابان متجلی شود. (آرمان ملی) در گفت و گو با احمد حکیمی پور فعال سیاسی اصلاح طلب به بررسی این موضوع پرداخته است که در ادامه می خوانید:

ریشه مشکلات امروز جامعه که به صورت اعتراض خیابانی نمود پیدا کرد را در کجا می دانید؟

جامعه ما امروزه مشکلات فراوانی دارد که اگر به این مشکلات رسیدگی نشود، خشم و اعتراض مردم جای دیگری سر باز می کند. باید توجه شود که مطالبات انباشته شده مردم به مرحله عصبان و خشم نرسد؛ به خصوص در مناطق حاشیه نشین که اقشار ضعیف از نظر اقتصادی سکونت دارند. شاهدیم که مردم واقعاً از شرایط ناراضی هستند و راهی برای اعتراض پیش روی خود نمی بینند. صدایشان نیز به مسئولان نمی رسد و گوش شنوایی برای شنیدن مطالباتشان وجود ندارد. در نتیجه این مطالبات به مطالبات انباشته شده تبدیل می شود و خشم ناشی از این مسأله به مثابه آتش زیر خاکستر می تواند در پی هر اتفاقی خود را نمایان کند. از سوی دیگر سختگیری در مواجهه با این نوع اعتراضات باعث می شود که نهادهای حقوقی و قانونی از دور خارج شوند. مردم نیز نهادهای حقوقی و قانونی را دور می زنند و منزوی شدن این نوع نهادهای جامعه را دچار شرایط سخت تری می کند.

منظور شما از این سختی چیست؟ غایب بودن احزاب، سازمان های مردم نهاد، گروه های سیاسی شناسنامه دار و نبود فرصت اعتراض قانونی باعث خواهد شد که این احتمال بیشتر شود تا اعتراضات شکل اغتشاش به خود بگیرد. وقتی اعتراضات شکل رادیکال به خود بگیرد، برخورد و واکنش نیز اجتناب ناپذیر خواهد بود و در نتیجه چنین تقابلی است که جامعه ضرر می بیند و علاوه بر تشدید ناراضیاتی عمومی، شکاف و دوگانگی در میان مردم نیز افزایش خواهد یافت. فکر نکنیم که حالا توانسیم شرایط را کنترل کنیم، پس همه چیز تمام شده و کاری باقی نمانده تا انجام دهیم. این نوع نگاه به هیچ وجه صحیح نیست.

پیشنهاد شمار برای عبور از وضعیت امروز چیست و راه حل مشکلات را چه می دانید؟

باید کار کارشناسی صورت گیرد و ریشه مشکلات شناسایی شود. بعد از آن تلاش هایی در راستای جلب رضایت مردم صورت گیرد و به مطالبات آنها توجه شود. پیش از این در سال ۷۸ و بعدتر در سال ۸۸ شاهد بودیم که اعتراضاتی شکل گرفت و شکافی در جامعه ایجاد شد. بار دیگر در سال ۹۶ این اتفاق افتاد و این روزها

رویکرد

در نامه حزب اراده ملت ایران شعبه استان همدان به مقامات استان در نخستین روزهای بعد از گرانی بنزین درخواست گردید:

مواجهه ملایم و پذیرنده با هم میهنانی که دغدغه های اقتصادی و اجتماعی امروز و فردای وطن، آنها را به خیابان کشانده است

به نام حق نماینده محترم مقام رهبری در استان همدان جناب آقای شعبانی نماینده محترم قوه مجریه در استان همدان جناب آقای شاهرخی نماینده محترم قوه قضائیه در استان همدان جناب آقای عدالت خواه نمایندگان محترم مردم استان همدان در مجلس شورای اسلامی آقایان خجسته، حاجی بابایی، آزادخواه، بهرامپور، پورمختار، رنجبرزاده، کاظمی، لطیفی و مفتاح با عرض سلام و احترام پیرو پیگیری های صورت گرفته در رابطه با افزایش ناگهانی و چشمگیر قیمت بنزین در سطح سران سه قوه و حمایت مقام رهبری از این تصمیم گیری، بدین وسیله حزب اراده ملت ایران شعبه همدان در راستای وظیفه ذاتی خود، از شما درخواست دارد مراتب اعتراضات ما را نسبت به

دل نوشته

این قرار ما نبود

رحیم قمیشی
رژمنده و جانباز

سلام منصور

اینترنت را هم قطع کردند!

نگویی به فکر نیستم، اتفاقاً این روزها بیشتر یادت هستم. فکر می کردی شهید شوی بعدش این طور شود. مطمئنم که نه!

یادت هست آن وقت ها که می گفتند «امام زمان بیاید از یک نقطه ندای حق طلبی و دفاع از مظلوم ها را سر دهد، ناگهان همه دنیا صدای او را می شنوند» ما با تعجب نگاه هم می کردیم و می گفتیم چطور چنین چیزی ممکن است! یعنی چه بلندگویی هست.

لایذ خبر نداری!

بعدها اینترنت آمد، دیدیم از یکجا یکی چیزی می گوید یا می نویسد، همان موقع همه دنیا می شنوند یا می بینند، بی ددرسر.

گذاشته بودم آن دنیا برایت با هیجان تعریفش کنم، بگویم تکنولوژی چقدر پیشرفت کرد و چقدر همه چیز برای اینکه مردم ندار و ضعیف هم صدایشان را برسانند به دنیا فراهم شد. گذاشته بودم بیایم برایت بگویم کاتالی زدم بیشتر از هزار نفر عضو شدند، کسانی که اصلاً تو را ندیده بودند، اما حکایت شجاعت هایت را که می شنیدند لذت می بردند، گاه می خندیدند، گاه قهقهه اشکی می ریختند که چقدر جایب خالی است...

منصور جان!

جوان ها با اینترنت خودشان را پیدا کردند، استعدادهایشان را، راست را از دروغ شناختند، با دنیا مرتبط شدند، دولت های زورگو مزوی شدند، دزدها رسوا شدند، همه چیز شیشه ای شد و شفاف...

اما منصور باوروت می شود! ما که می خواستیم مدافع ضعفا و بی زبان ها باشیم، مدافع جهان بی ظلم باشیم، اینترنت را دشمن پنداشتیم!

تا گرام را بستیم، اینترنت را با افتخار مسدود کردیم، گفتیم هر کس از فقر و نداری فریادی علیه گرانی زد جیره خوار دشمن است، گفتیم هر چه حاکمان تصمیم بگیرند بهترین است و مخالفان همه مزدورند. باور می کنی!

منصور جان!

دنیا بدی شد. همه چیز جایش عوض شد، فقرا شدند افراد بی سرو پا، حق خواهان شدند کسانی که شرایط حساس را درک نمی کنند، طرفداران تبادل اطلاعات شدند آن هایی که طرفداران فساد و هرچ مردم اند!!

منصور عزیز!

بودی باور نمی کردی...

خیلی چیزها عوض شدند. حالا امام زمان بخواهد ایران بیاید بدایش به هیچ کجا نمی رسد. اینجا کسانی هستند که تشخیص می دهند حق کدام است و باطل کدام، کسانی هستند که خود را عقل کل می دانند، چه می دانند آن پایین به مردم چه می گذرد... دل هایشان مرده است یا زنده، امید دارند به آینده اصلاً

و خوشحال اند که همه مردم از شان می ترسند!

منصور

حالا دل تنگ آن روزها شده ام. نه من، خیلی از دوستان، در تهایی مان، در بغض هایمان، در صدای خفا شدمان...

ما که این را نمی خواستیم!

صدا به صدا نرسد

مظلوم ها مظلوم تر شوند

نادارها نادارتر

عدداً صاحب اختیارمان شوند

تعدادی صلاح ما را بیشتر از خودمان بدانند

مانا محرم باشیم

مرد نامحرم باشند

همه با بهت نگاه کنیم چه می شود...

منصور تو تنها نیستی

من هم باورم نمی شود

بیایم پیش تو، حتماً می گویم چه شد

چرا همه چیز عوض شد

چرا تو باز تنها شدی

چرا باز غریب ماندی...

قریانت بروم منصور جان

بیخشد ناراحت کردم

کمی از درد دلم بود

باتو که محرم اسرامی...

باتو که تنها گوش می کنی

منصور

به خدا هم بگو لطفاً

این قرار ما نبود...

طرح «سرا» یا سراب



امیرعلی قادری

قائم مقام کمیته تشکیلات حزب اراده ملت ایران

سامانه رأی سنجی اصلاح طلبان (سرا) سامانه ایست برای تعیین فهرست نامزدهای اصلاح طلب در انتخابات مجلس شورای اسلامی، کلیات این طرح در آبان ماه سال جاری توسط اعضای شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان تصویب و تصمیم گیری در خصوص جزئیات آن به کارگروه سیاست ها و راهبردها و هیأت رئیسه آن شورا واگذار شد.

در مقدمه این طرح که فعلاً نامزدهای تهران و مراکز استان ها در انتخابات مجلس پیشرو در برمی گیرد ذکر شده که طرح «سرا» گام بعدی به سوی انتخاب دموکراتیک تر، شفاف تر و مردم تر نامزدهای جبهه اصلاح طلبان در انتخابات مجلس و نوعی انتخابات مقدماتی نیمه باز است که با یک پلنفرم سبک آنلاین قابل برگزاری است.

بر اساس این طرح قرار است همه فعالان اصلاح طلب کشور با معرفی احزاب و اعضای عضو شورای عالی سیاست گذاری در چندلایه به عضویت سایت درآیند و در یک رأی سنجی از میان نامزدهای واجد شرایط، فهرست نامزدهای اصلاح طلبان را در تهران و مراکز استان ها انتخاب کنند.

با توجه به اینکه رأی سنجی مقدماتی در کشور ما امری است نویا، بدواً به چستی و ماهیت این مقوله و همچنین تجارب کشورهای دیگر در این رابطه خواهیم پرداخت، رأی سنجی مقدماتی پروسه ای است که در آن رأی دهندگان تمایل خود به کاندید مورد نظرش را در حزب خود پیش از انتخابات نهایی یا اصلی ابراز می کنند، چنین اقدامی به سبب روشن نمودن تمامی جوانب و خصوصیات هر نامزد پیش از انتخابات عمومی یا محلی و حتی قبل از تصمیم شورای حزب برای برگزیدن شخص صورت می پذیرد.

شرایط مذکور بستگی به نوع تقسیم سیاسی و اجتماعی هر کشور داشته و متناسب با شرایط حاکم بر هر کشور کارکرد خاص خود را به منصف ظهور می رساند. بسته به نوع رأی سنجی، رأی دهندگان خواه از توده مردم یا اعضای حزب سیاسی قادر به

مشارکت در روند فوق خواهند بود.

رأی سنجی پیش از انتخابات در بسیاری از کشورهای جهان جاری و ساری است و ریشه آن برگرفته از جنبش ترقی خواهان در ایالت متحده بوده، جنبشی که هدف غایی آن محدود کردن قدرت رهبران حزب در انتخاب نامزدها و اعطای قدرت انتخاب به بدنه و به عبارت دیگر از بین بردن مونولوگ رهبران سیاسی حزب و تقویض آن به عموم مردم بوده است. به طور کلی دو روش در کشورهایی که انتخابات اولیه توسط احزاب ساماندهی می شود وجود دارد، روش اول انتخابات اولیه بسته یا داخلی است که در این روش فقط اعضای حزب می توانند رأی دهند، روش دوم انتخابات اولیه باز است که در آن تمامی افرادی که قادر به شرکت در انتخابات و دادن رأی هستند می توانند در رأی سنجی اولیه نیز مشارکت نمایند. در چنین شرایطی حزب، برگه تعهد و التزام به ارزش های حزب را از رأی دهندگان دریافت می نماید.

در ایالات متحده، این نوع انتخابات دارای تنوع بیشتری است به طوری که نوع اول آن، انتخابات اولیه بسته است و افراد تنها در صورتی که عضو رسمی حزب باشند قادر به مشارکت در این مرحله از رأی گیری خواهند بود، ایالاتی نظیر فلوریدا، مریلند، کالزاس و نیویورک در اغلب موارد دارای انتخابات بسته اولیه هستند. نوع دوم، انتخابات اولیه نیمه بسته است که افراد غیر وابسته به حزب نیز می توانند در رأی گیری مشارکت داشته باشند، در ایالت هایی که این شیوه از رأی گیری را اجرا می نمایند، رأی دهندگان می توانند به طور عمومی و یا خصوصی شرکت خود در رأی گیری حزب مورد نظر را اعلام نمایند لکن در روز انتخابات نهایی می توانند بدون هیچ گونه منعی به نامزد حزب رقیب رأی دهند. ایالت هایی مانند ماساچوست، کلرادو و اوهایو از این شیوه استفاده می کنند و اجازه تغییر موضوع را به رأی دهندگان ثبت نام نشده می دهند. نوع سوم، انتخابات اولیه باز است، در این شیوه، رأی دهندگان از هر حزب و

دسته ای (حتی اگر عضو رسمی هم نباشند) می توانند در رأی گیری اولیه حزب شرکت نمایند، آلاباما، جورجیا و میشیگان از جمله ایالاتی هستند که این شیوه را در پیش می گیرند، زمانی که رأی دهندگان قبل از انتخابات اولیه، با وجود عدم ثبت نام در یک حزب، بتوانند آزادانه در انتخابات احزاب دیگر وارد شوند، در این شرایط، رأی دهندگان از حزب رقیب ممکن است به روند انتخابات اولیه حجهه وارد کنند، در واقع این شیوه به نوعی اعطای حق انتخاب به مخالفان نیز هست، در توری، اعضای حزب رقیب به منظور پیروزی حزب خودشان در انتخابات نهایی، به ضعیف ترین کاندیدای حزبی که از این شیوه در رأی سنجی اولیه بهره می برد، رأی می دهند. نوع چهارم، انتخابات اولیه نیمه باز است، در این روش تنها اعضای رسمی احزاب می توانند در انتخابات اولیه شرکت نمایند، در این شیوه اخذ رأی به صورت محرمانه بوده و رأی دهندده در محل اخذ رأی تصمیم می گیرد به کدام حزب رأی دهد.

در اروپا نیز انتخابات اولیه توسط سازمان های مردم نهاد و در فضای احزاب سازمان دهی می شود و دولت حاکم حق ورود به این مرحله و مداخله در امور را ندارد، در اکثر کشورهای اروپایی انتخابات اولیه بسته مرسوم است و تعداد کمی از احزاب با شیوه انتخابات اولیه باز عمل می کنند، برگزاری انتخابات اولیه در این کشورها عموماً مربوط انتخاب رهبر حزب می شود، چرا که معمولاً رهبر حزب است که به عنوان نامزد در انتخابات شرکت می کند. در حال حاضر انتخابات اولیه باز بیشتر در کشورهای سوسیال دموکرات مانند ایتالیا و یونان برگزار می شود، در ایتالیا انتخابات اولیه برای اولین بار توسط احزاب چپ در سال ۲۰۰۵ به سیستم سیاسی معرفی شد.

در فرانسه انتخابات اولیه به صورت دمر حله ای برگزار می شود، نامزدهایی که حداقل تعداد امضا را از اعضای

حزب دریافت کنند به مرحله دوم راه پیدا کرده و اصطلاحاً در فینال درون حزبی شرکت می نمایند. همان گونه که ملاحظه می شود، رأی سنجی اولیه سال هاست که مورد استفاده احزاب و گروه های سیاسی در نقاظ مختلف جهان قرار دارد، در حال حاضر این شیوه با چنین کیفیتی برای اولین بار در ایران در قالب طرح «سرا» توسط اصلاح طلبان مطرح گردیده و از این منظر به عنوان طرحی آوانگارد محسوب می شود. از نقاط

قوت این طرح می توان به بسجج رأی، شکستن فضای سرد انتخاباتی، اعتماد به بدنه اصلاح طلبان و ترغیب متن جامعه در راستای مشارکت بیشتر در انتخابات، حفظ انسجام و وفای درونی جریان اصلاحات از رهگذر ایجاد فرصت های برابر برای تمامی احزاب اصلاح طلب، مشق دموکراسی و جمع سیاری موضوع به احزاب سیاسی اشاره نمود، ضمن آنکه با توجه به انتقادات جدی وارده بر نحوه تعیین لیست سنوات قبل و الیگارشسی حاکم بر انتخاب گذشته جبهه اصلاح طلبان که به باور نگارندگان به اصلح گزینی منتهی نشد، فی حد نفسه تلاشی است سازنده و علاوه بر آنکه اقرار ضمنی بر پذیرش اشتباهات پیشین در نحوه کاندیدا گزینی اصلاح طلبان می باشد، بنوعی اقتضای دموکراتیزاسیون برای آن دسته از احزاب و جریان های سیاسی است که داعیه مردم سالاری و مراجعه به آراء عمومی را دارند. در انتقاد به طرح سرا، عدداً در مغایرت طرح با قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تشکیک نموده اند؛ وفق ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اصلاحی سال ۱۳۹۵) «تبلیغات و شیوه های تبلیغی مجاز منحصر

به موارد مجاز مذکور در این قانون است و مراجع اداری، انتظامی و قضایی موظف به برخورد با تبلیغات غیر مجاز هستند. فعالیت تبلیغات انتخاباتی نامزدهای نمایندگی، هشت روز قبل از روز اخذ رأی (مرحله اول و دوم) آغاز و تا بیست و چهار ساعت قبل از اخذ رأی ادامه خواهد داشت.»

با توجه به اینکه به لحاظ مضمون و مهلت، مفاد ماده (۵۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی، همان مفاد ماده (۵۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی سابق مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی است، در این خصوص «قانون تفسیر قانونی در خصوص ماده (۵۶) اصلاحی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۹ که مربوط به ماده (۵۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹ بوده، درخور توجه می باشد؛ در موضوع استفسار قانون اخیر الذکر آمده است، با توجه به اینکه فعالیت تبلیغاتی موضوع ماده (۵۶) اصلاحی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقیده به هشت (۸) روز گردیده، چنانچه داوطلب نمایندگی قبل از مدت تعیین شده اقدام به فعالیت تبلیغاتی نماید، آیا مجازات مقرر در مورد متخلف قابل اعمال خواهد بود یا خیر؟

مجلس طی ماده واحده ای اعلام نظر نموده که ممنوعیت تبلیغات از زمان ثبت نام تا زمان اعلام اسامی کاندیداهای تأیید شده توسط هیأت اجرایی است و شامل قبل و بعد از زمان مذکور نخواهد بود، مشروط به آنکه تحت عنوان کاندیداتوری نباشد.

ناگفته پیداست که نامزدهای مشارکت کننده در طرح «سرا» تحت عنوان کاندیداتوری در طرح مزبور شرکت می نمایند و از این لحاظ مشمول فراز پایانی ماده واحده یادشده می گردند، اما این نکته که آیا شرکت در طرح تبلیغات محسوب می شود یا خیر، مشخصه ایست که تماماً بستگی به نحوه اجرای آن طرح دارد، لذا مجریان طرح بایستی سازوکاری اتخاذ نمایند تا مشمول ممنوعیت های مندرج در قوانین ملاک عمل نشوند.

یکی دیگر از انتقاد وارده، مهندسی طرح در راستای منافع یک حزب خاص و مدیریت آن به منظور انتخاب نامزدهای مشخص است، در این رابطه نیز باید در جزئیات طرح تدابیری اتخاذ شود تا که هر کدام از احزاب که ایراد و اشکالی در نحوه اجرا و شفافیت دارند بتوانند به طور مؤثر در نظارت بر طرح و اجرای آن مشارکت داشته باشند.

از دیگر دغدغه های موجود، نفوذ سلبیبری به سامانه طراحی شده و تغییر نتایج به دست آمده از آراء مأخوذه می باشد که دغدغه ایست به جا و درخور توجه چرا که همواره مصادره آراء به روش های گوناگون و به نفع همان گونه که ملاحظه می شود، رأی سنجی اولیه سال هاست که مورد استفاده احزاب و گروه های سیاسی در نقاظ مختلف جهان قرار دارد، در حال حاضر این شیوه با چنین کیفیتی برای اولین بار در ایران در قالب طرح «سرا» توسط اصلاح طلبان مطرح گردیده و از این منظر به عنوان طرحی آوانگارد محسوب می شود. از نقاط

قوت این طرح می توان به بسجج رأی، شکستن فضای سرد انتخاباتی، اعتماد به بدنه اصلاح طلبان و ترغیب متن جامعه در راستای مشارکت بیشتر در انتخابات، حفظ انسجام و وفای درونی جریان اصلاحات از رهگذر ایجاد فرصت های برابر برای تمامی احزاب اصلاح طلب، مشق دموکراسی و جمع سیاری موضوع به احزاب سیاسی اشاره نمود، ضمن آنکه با توجه به انتقادات جدی وارده بر نحوه تعیین لیست سنوات قبل و الیگارشسی حاکم بر انتخاب گذشته جبهه اصلاح طلبان که به باور نگارندگان به اصلح گزینی منتهی نشد، فی حد نفسه تلاشی است سازنده و علاوه بر آنکه اقرار ضمنی بر پذیرش اشتباهات پیشین در نحوه کاندیدا گزینی اصلاح طلبان می باشد، بنوعی اقتضای دموکراتیزاسیون برای آن دسته از احزاب و جریان های سیاسی است که داعیه مردم سالاری و مراجعه به آراء عمومی را دارند. در انتقاد به طرح سرا، عدداً در مغایرت طرح با قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تشکیک نموده اند؛ وفق ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اصلاحی سال ۱۳۹۵) «تبلیغات و شیوه های تبلیغی مجاز منحصر

همیشه خرمند امیدوار نویسنده به جز شادی از روزگار

یک داستان تکراری

جنايتكارانى كه خليفه مى شوند

حسن بختیاری زاده
تحلیگر و فعال سیاسی

Bakhtian95@yahoo.com

مصائب بنین

حسن بختیاری زاده

دولت بر اساس مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، قیمت بنزین را افزایش داد. این افزایش اعتراضهایی را نیز به همراه داشته است. اکنون میتوان این پرسش را مطرح کرد که افزایش قیمت بنزین، از چه ضرورتی پیروی می کند؟ چه پیامدی خواهد داشت و؟ سرانجام آنکه اعتراض ها به افزایش قیمت بنزین چه دلایل و پیامدهایی دارد؟ این نوشتار پاسخهایی کوتاه دربردارد.

۱- اقتصاد ایران در ۴ دهه گذشته با مشکل تراکم بارانه ها روبرو بوده است. درآمد های نفتی، تلاش برای جلب رضایت مردم با ابزار بارانه، شرایط خاص مانند جنگ و البته رسوب رو بکردار اقتصاد مارکسیستی سبب ادامه یابی پرداخت انواع بارانه ها در اقتصاد ایران بوده است. پرداخت این بارانه ها تا زمانی که درآمد نفت، فراوان بود با مشکل زیادی روبرو نمی شد. اما پرداخت بارانه سوخت از آنجاکه تحریم ها سبب کاهش شدید درآمد دولت شده است، با مشکل روبرو شده است. آشکار است که پرداخت بارانه سوخت به میزان کنونی، با الزامات و منطق علم اقتصاد مغایر است. مبالغ سنگینی را که برای سوخت از آن هزینه میشود، می توان برای توسعه بخشهای مختلف، هزینه کرد. اما همان گونه که اشاره شد، تصمیم گران در دوره های مختلف به سبب آنکه درآمدهای هنگفت نفتی را در اختیار داشتند، ترجیح می دادند از دردهای تصمیم گیری منطقی با علم اقتصاد بیرهنیزند و به پرداخت بارانه سوخت ادامه دهند.

۲- یکی از پیچیدگیهای اصلاح قیمت بنزین، فضای روانی مربوط به آن است. افکار عمومی، بر این باور است که افزایش قیمت بنزین سبب افزایش شدید قیمت سایر کالا و خدمات است. عرچند این برداشت و پندار با واقعیت فاصله دارد اما بدون تردید، هر گونه تصمیمی درباره اصلاح قیمت بنزین، باید این نگاه و فضای روانی را در نظر بگیرد. به نظر می رسد روش دو دهه گذشته -که با افزایش سالانه و تدریجی قیمت حاملهای انرژی، مبتنی بود- روش کلرآمدتری بود. این روش علاوه بر آنکه قیمت را اصلاح می کرد، با پذیرش جامعه روبرو می شد. به ویژه آنکه با اطلاع رسانی و آگاهی بخشی همراه بود. تصمیم سازان کنونی، از آنجاکه قیمت بنزین را در چند سال گذشته، ثابت نگه داشته اند، اکنون مجبورند آن را سه برابر کنند. اگر روش افزایش تدریجی و پیوسته قیمت بنزین ادامه می یافت، مشکلات کمتری ایجاد می شد.

۳- ایرانیان روزگار سختی را می گذرانند. تحریمها سبب فشار بر مردم و تشدید مشکلات ساختاری اقتصاد ایران شده است. افزایش قیمت بنزین، اکنون بیش از وزن و اهمیت اقتصادی خود، بهانه اعتراضات مردمی است که از شرایط رضایت ندارند. مشکل دیگر، آن است که جامعه ایران با بحران بی اعتمادی روبروست. بخش بزرگی از مردم درباره نحوه هزینه درآمدهای حاصل از افزایش قیمت بنزین، بدبین هستند. اعتراضات در این شرایط، شگفت آور نیست.

۴- اعتراض به تصمیماتی مانند افزایش قیمت بنزین، در چارچوب قانون اساسی، حق مردم است. اما اعتراضاتی که به تخریب و خوشونت منجر شود علاوه بر آنکه پیامدهای اقتصادی بی ثبات کننده به همراه دارد و به شکل تناقض آمیزی، به زیان معترضان خواهد بود، سبب می شود بدخواهان خارجی به کارایی ابزار تحریم، امیدوارتر شوند و آن را ادامه دهند. موضوعی که باز هم به ضرر معترضان خواهد بود.

یارانه های متراکم، منابع اقتصاد ایران را تلف کرده است. تصمیم سازان با این وجود ترجیح داده اندبا استفاده از درآمد نفت، پرداخت یارانه ها را از جمله یارانه سوخت ادامه دهند. اصلاح قیمت بنزین در شرایط کنونی و با توجه به کاهش شدید درآمدهای نفتی، ناگزیر است. دولت اگر در شرایط کنونی می توانست با این میزان درآمد، بنزین را با قیمت قبلی عرضه کند، محال بود آن را اصلاح کند. به نظر می رسد اقتصاددانان، تخمیکان و رسانه ها بر اساس منافع ملی باید موضوع را برای مردم تبیین کنند. به علاوه بازسازی اعتماد مردم به تصمیم سازان و مدیران، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که اصلاحاتی همه جانبه را الزامی می کند.



سر مقاله

رسانه‌ها ریه‌های دموکراسی

ادامه از صفحه اول

پیدایش رسانه‌های آزاد، موجب از بین رفتن سنت‌های جزمی و تأمل درباره جامعه می‌شود. مطبوعات آزاد موجب گسترش اراده اختیاری در جامعه بوده، لذا اراده اختیاری را می‌توان داوری جمعی درباره اهداف مطلوب و محاسبه آگاهانه برای رسیدن و نیل به اهداف دموکراتیک در جامعه تعریف کرد. در جوامعی که مطبوعات مستقل و آزادی بیان وجود دارد، رشد افکار عمومی به صورت منطقی و عقلایی صورت می‌پذیرد. همین امر اثرات بنیادینی در رفتارهای سیاسی صاحبان قدرت برجای می‌گذارد و در واقع می‌توان گفت که صاحب‌منصبان حکومت و خود حاکمیت، پیوسته در دادگاه افکار عمومی، فرا خوانده می‌شوند و همین امر تا حدود زیادی جلوی فساد سیاسی را در حاکمان می‌گیرد و موجب می‌شود کارگزاران نظام به درصد کمتری از فساد آلود شوند.

ازاین‌رو سرکوب کردن افکار عمومی و نادیده انگاری آن و همچنین سوء استفاده از قدرت سیاسی در جوامعی که مطبوعات آزاد وجود دارد، به‌ندرت اتفاق می‌افتد.

لذا به همت رسانه‌های آزاد، امر قانون گذاری و اجرای دقیق قوانین در معرض مباحث عمومی قرار می‌گیرد و جریان‌های اجتماعی و سیاسی آزادانه در مورد مسائل کلان مدیتریه به‌منظور ارتقاء و سالم‌سازی جامعه اظهارنظر می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که رسانه‌های آزاد در آسمان تاریک استبداد به ستاره دنباله‌دار و درخشانی می‌ماند که همواره در آسمان جامعه‌پر توافشانی می‌کند.

امروزه اهمیت بنیادین و نقش مطبوعات و رسانه‌های آزاد در رشد افکار عمومی جوامع بر کسی پوشیده نیست و لذا رسانه‌ها در حوزه فرهنگ و اجتماع در بالابردن و ترویج روحیه رواداری در جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کنند و با افزایش سطح این روحیه دربین مخاطبان، اصل تحمل عقاید مخالف را در جامعه ممکن می‌سازند.

ازاین‌رو آزادی رسانه به‌عنوان یک حق مسلم و یکی از اصول اولیه و پذیرفته شده جوامع دموکراتیک است. به تعبیر دیگر آزادی رسانه و مطبوعات حافظ همه حقوق مدنی-سیاسی و اجتماعی شهروندان جامعه است و در واقع رسانه آزاد مردم را به اندیشیدن و می‌دارد. پس می‌توان عنوان کرد که مطبوعات آزاد مسیر حرکت جامعه را به‌سوی توسعه انسانی و مدنی هموار می‌کنند. مدافعان آزادی رسانه و مطبوعات به شکل‌گیری پایه‌ای و اساسی مفهوم مدرن شهروندی، کمک فراوانی کرده‌اند. آنان اختناق و پنهان کاری و رفتارهای پلیسی را، روش‌های حکومت‌های ناصالح می‌پندارند و در حمایت از جامعه مدنی خواستار آن هستند تا برسر قدرت دولت مدرن نظارت داشته باشند. قدرتی که بالقوه می‌تواند خطرناک باشد، رسانه‌های آزاد همواره تلاش دارند تا حاکمیت و دولت‌ها را دائماً در جریان علانیت در حال تغییر جامعه مدنی قرار دهند، رسانه آزاد و مستقل، به دنیا از دریچه چشم عموم جامعه می‌نگرد و معتقدند درک شهودی شهروندان از خطرات اجتماعی به‌واسطه سیاست‌گذاری‌های اشتباه حاکمیت، امری عقلانی و درکی قابل اعتنا و محترم است، لذا مطبوعات آزاد و مستقل از دولت، در جایگاه رسانه‌های عمومی به‌مثابه ریه‌های حیاتی برای جوامع دموکراتیک عمل کرده و به سالم‌سازی و تسویه فضای سیاسی اجتماعی و اقتصادی جوامع کمک فراوانی می‌نمایند. در سایه چنین رسانه‌هایی دولتمردان و حاکمان جامعه همواره در معرض دادگاه عمومی جامعه خود را حاضر و در صد خطا و اشتباه و افسادشان کاش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت آزادی رسانه و مطبوعات، ضامن مدنیت و مرهم زخم‌های پیکره سیاست است، جامعه مدنی متکثری که شاخصه‌اش کثرت عقاید است، هرگز به خانواده‌ای بزرگ و خوشبخت شبیه نخواهد شد مگر با رعایت اصل مهم و حیاتی آزادی بیان و رسانه‌های مستقل.

فرشاد مؤمنی:

جمعیت حاشیه‌نشین کشور تا سال ۱۴۰۰ از مرز ۲۰ میلیون نفر عبور می‌کند

دور زدن مجلس نماد مشارکت‌زدایی از مردم است

مدارای نجیبانه مردم نمی‌تواند ابدی باشد

حداقل شرافت کارشناسی این است که مخالفان به‌صورت کارشناسی آن را ابراز کنند؛ اما آنچه ما مشاهده می‌کنیم و اسناد متعدد آن نیز وجود دارد؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی هر سه مشوق اجرای سیاست‌های تورم‌زا و شوک به قیمت‌های کلیدی بودند.

رئیس موسسه دین و اقتصاد متذکر شد: حداقل انتظار از نظام تصمیم‌گیری عالی کشور و به‌طور مشخص سران قوا این است که از کسانی که این تصمیم‌ها را پخته‌ویز می‌کنند حداقل یک پیوست خواسته شود که به ازای این هزینه‌های مادی و پرستیزی، چه دستاوردی حاصل خواهد شد. این گونه نباشد که ما همیشه هزینه‌ها را پرداخت کنیم و کسانی که مشوق آن بودند بگویند اصل کار درست بود اما بد اجرا شده است، چگونه است که نظام اجرایی سی سال مجموعه سیاست‌های خاص را بد اجرا می‌کند؛ بنابراین آن‌هایی که می‌گویند بد اجرا شده است درواقع اعتراف می‌کنند که این جامعه و حدود و قابلیت‌های آن را نشناخته‌اند. سی سال از تجربه برنامه‌تعدیل ساختاری می‌گذرد، صمیمانه و مشوقانه نظام تصمیم‌گیری اساسی را دعوت می‌کنم تا کارنامه این بسته سیاسی را با تمرکز ویژه بر رویکرد شوک‌درمانی بررسی کنند.

این اقتصاددان با اشاره به برخی از پیامدهای سیاست‌های اقتصادی سه دهه اخیر کشور گفت: بر اساس گزارش‌های رسمی در سی سال اخیر جمعیت حاشیه‌نشین کشور از مرز ۱۹ میلیون نفر عبور کرده است و در همان گزارش به‌صراحت گفته پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ حداقل ۳ تا ۴ میلیون بر این جمعیت اضافه شود. چرا نباید بررسی کرد که کدام سیاست ما را به‌طرفی کشانده که یک‌سوم جمعیت کشور حاشیه‌نشین است؟ جالب آنکه بر اساس گفته‌های مسئولان رسمی کشور تقریباً سه‌چهارم زندانیان کشور را همین حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند؛ بنابراین اگر گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن کارنامه برنامه‌تعدیل ساختار باشد الآن زمان آن است تا تکلیف خود را با آن مشخص کنیم.

وی ادامه داد: برای بررسی نتایج این برنامه بهترین متر و معیار، فقر و نابرابری است. در ذخیره دانایی اقتصاد توسعه، فقر قوی‌ترین و فراگیرترین مصیبت بشری است و در این چهار دهه گذشته هیچ

بسته سیاستی در دنیا به‌اندازه برنامه‌تعدیل ساختاری در گسترش فقر، نابرابری و فساد نقش نداشته است. به‌طوری‌که یکی از مقامات رسمی ادعا کرده است که ۷۵ درصد جمعیت کشور نیاز به تحت پوشش قرار گرفته شدن دارند و پرسش این است که این وضعیت تا کجا باید ادامه داشته باشد؟ آن‌هم در جامعه‌ای که در کتاب آسمانی آن تصریح کرده است که کرامت انسانی هدیه‌ای از سوی خداوند به بشر است و ما سه‌چهارم جمعیت را به این روز بیندازیم و از مسئولیت آن شانه خالی کنیم؟

این اقتصاددان تصریح کرد: بنده در کتاب خود تصریح کرده‌ بودم که از برنامه‌تعدیل ساختاری تا امروز، مردم ایران به‌صورت نجیبانه صرفه‌جویی‌های خود را معطوف به نیازهای حیاتی مرتبط با سلامت خود کرده‌اند به‌طوری‌که دانماً گوشت و لبنیات کمتری مصرف می‌کنند و البته این مدارای نجیبانه مردم هم نمی‌تواند ابدی باشد. مثلاً در سال ۱۳۶۷ مصرف گوشت سالانه خانوارهای ایرانی ۱۲۲ کیلو بود که در سال ۱۳۷۲ به ۷۸ کیلو و در سال ۱۳۹۰ به زیر ۴۰ کیلو کاهش یافته‌است.

مؤمنی به اشاره به آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ گفت: درحالی‌که میانگین اتکا به خام‌فروشی در جهان به‌عنوان منبع درآمد ارزی ۹۹ درصد بود در ایران و پس از سه دهه هنوز ضرب‌خام‌فروشی سه‌برابر میانگین جهانی آن است. همچنین در همین دوره میانگین جهانی صدور کالای ساخته‌شده ۵۷ درصد بود که این میزان در ایران یک‌چهارم میانگین جهانی آن است. براساس مطالعات به‌ازای هر یک میلیارد دلار صادرات خام‌فروشانه و همچنین به ازای هر یک میلیارد دلار واردات کالای قابل‌تولید در کشور، بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود به‌طوری‌که برای جوانان دانش‌آموخته قادر به شغل آفرینی نیستیم و دانماً ناهنجاری‌های اجتماعی رو به افزایش است. این کارشناس اقتصادی با پرسش از رئیس‌جمهور گفت: مگر شما نگفتید، کسانی می‌گفتند که اگر نرخ ارز بالا رود ایران گلستان می‌شود و ما ارز را بالا بریم اما ایران گلستان نشد و دچار بحران نیز شد. اگر شما آن را یاد گرفتید، آزمون مجدد این سیاست چه معنایی دارد؟ در هر سیاست اشتباهی که اجرا می‌شود توجیه افراد غیرمتخصص تصمیم‌گیر آن است که در کنار مخالفان، موافقانی نیز وجود دارد. سی سال است

اندیشه | کنکاشی در مباحث بنیادی



که قیمت ارز و حامل‌های انرژی را بالا می‌برند تا ایران گلستان شود اما دائماً طول و عرض بحران بیشتر می‌شود، هیچ‌یادگیری هم اتفاق نمی‌افتد و سپس می‌گویند موافقانی هم وجود دارد. شاید این موافقان از نظر بنیه علمی یا تعداد قابل توجه نباشند اما یک‌دفعه مافیای رسانه‌ای حضور پیدا می‌کند که حرف‌های نادرست که منافع غیرمولد‌ها را تأمین و فشارها بر تولیدکنندگان و مردم افزایش می‌دهد را بزرگ می‌کند. البته این موضوع مختص ایران نیست و همان چیزی است که فوکو به‌عنوان رژیم‌های حقیقت‌مطرح می‌کند همین است؛ یعنی وقتی منافع موضوعیت دارد و با قدرت پیوند بخورد، واقعیت را دست‌کاری می‌کنند و راه را برای یادگیری نظام تصمیم‌گیری می‌بندد.

مؤمنی با بیان اینکه نظام آمار و اطلاعات کشور باید مورد بازنگری قرار بگیرد، گفت: اگر آخرین داده‌های نظام آماری را نگاه کنید، از آنها دهک ثروتمند کسی است که ماهیانه بیش از ۵ میلیون تومان هزینه داشته باشد، یا دهک نهم ماهیانه بین ۵ تا ۱۵ میلیون تومان هزینه دارد. واقعاً در شرایط قیمت‌های کنونی این‌گونه است؟ همین مرکز آمار در اوج بحران و تحریم ادعا می‌کند که بیکاری کاهش پیدا کرده است که در تعارض با آمار گزارش‌های سازمان‌های تخصصی مانند وزارت کار است. این اقتصاددان با تأکید بر نقش مجلس در نظام تصمیم‌گیری کشور گفت: درواقع دور زدن مجلس نماد مشارکت‌زدایی از مردم است و باید کمک کنیم تا جایگاه والای مجلس همان‌گونه که در قانون اساسی است دوباره احیا شود. تصمیم‌گیری‌های اساسی باید مبتنی بر کار کارشناسی باشد و راه برای گفت‌وگوی ملی در مورد کارنامه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برنامه‌تعدیل ساختاری در این سی سال اخیر باز باشد.

مؤمنی خاطر نشان کرد: باید توجه داشت یکی از وجوه تاریخ عصر ما این است که هر زمان سیاست‌های اقتصادی را درست اجرا کردیم، فشار سلطه‌گرهای خارجی نیز کاهش یافته است و از در لطف وارد می‌شوند تا نتوانیم بنیه تولید کشور را رشدار کنیم. الآن هم بنده حاضرم هر تعمیدی را بدهم که اگر سیاست‌های ضد تولیدی کنار روند و فشاری به تولیدکنندگان تحمیل نکنند، بنده تردیدی ندارم که تحریم‌ها را شل خواهند کرد. آنها تحریم‌ها را تشدید می‌کنند چون می‌دانند که اقتصاد کشور آسیب‌پذیر شده و می‌توانند امتیاز بگیرند.

نقد و آسیب‌شناسی نحله (مشرّب و مسلک) سیاسی اصلاح‌طلبی ۱۸

بسیاری از اتفاقات سیاسی مخصوصاً در عرصه‌های دیپلماتیک دارند و در آنها تمایلات انقلابی به‌صورت شفاف بروز می‌یابند از این خصیصه برخوردارند یعنی آنها را می‌توان نیروهای انقلابی شناخت که اگر پای مذاکره و نوعی مصالحه پیش بیاید از اصول و مبانی عمل انقلابی کوتاه نمی‌آیند) و مسلم است که با چنین روحیه و تمایلی نمی‌شود به‌سوی تفکر نهادی و سیستمیک رفت زیرا که هر آن ممکن است با قلیان احساسات و هیجانات انقلابی همه ساختار را برهم زنند و با کنار گذاشتن نظام برنامه و آینده نگاشت هم از محوریّت عمل و رفتار به کناری گذارده شود و از همین روست که در نزد اصلاح‌طلبان فعلی تمایل چندان و یا بارنامه‌ای به فعالیت حزبی مستمر مشاهده نمی‌شود.

ببینید دوستان من نمی‌خواهم بگویم که همه چیز باید فراموش شود و تن به زمان و حال سپرده بلکه می‌گویم که انتخابات مبارزی انقلابی را برای خومان محفوظ داریم و در رابطه با آنچه کرده‌ایم تنها با نسل‌های آینده صحبت کنیم اما میدان عمل را به نهاد رسمی و قانونی آن‌هم در متن سیستم بدهیم و با مقتضیات آن جلو برویم تا همه افعال و افکار ما به روندی با قالب و ساختار مهندسی تبدیل شود که در همان ابتدای خط ورودی از مواد خام بکار رفته مشخص شود که از انتهای خط تولید چه محصولی بیرون خواهد آمد. و یا حداقل با اصلاح‌طلبان همه اهتمام درونی‌مان را به تقویت و تعالی سیستم اختصاص دهیم تا بتوانیم گام بگام تفکر سیستمیک و روش‌های مربوط بدان را در شناسایی پدیده‌ها و راه‌های کنترل و مدیریت آنها عمومی کنیم تا با قوی و استوار شدن درخت تولید موقعیت به آنچه به دست می‌آوریم حتی اگر در اقل ممکن باشد افتخار کنیم و آن را با مردمان به مشارکت بگذاریم البته مسلم است که این امر با دست همکاری دادن به هر کسی و هر جرابی در بحث انتخابات ممکن نمی‌شود یعنی نمی‌توان اصلاح‌طلب بود و برای داشتن اکثریتی قابل‌اتکا در مجلس هر نوعی از فکر و عمل را به لیست کاندیداهای خود اضافه کرد و از آنها در صحن علنی مجلس انتظار داشت که به سیستم و نظام و عمل سازمانی متعهد بمانند.



با خاستگاه انقلابی در متن تعین اهداف و تدوین استراتژی‌ها تا چه زمان ادامه خواهد داشت؟ همان‌گونه که می‌دانیم انقلاب و همه مختصات عملی و اثرپیش آن با تشکیل نظام تعطیل می‌شود زیرا و روش‌های پیگیری خواست‌ها و آرزوها به انتقال اطلاعات عمل با برنامه و سازمانی داشت اما اگر چنین تصویری در نزد اصلاح‌طلبان نیست بدان خاطر است که آنها هم خسته شده‌اند خسته از اینکه حدود چهل سال است که گفته می‌شود و پیگیری می‌گردد اما حاکمیت تن به تحولات نمی‌دهد و یا اجازه نمی‌دهد که یک فرایند سازمان‌یافته مستمر بتواند به تولید مطالبه از متن تحولاتی که در فهم و دریافت مردم از زمان و نیازهای درشان آن است اقدام کند و این واقعیتی مؤثر در پیدایش شرایط انفعالی حاضر است که می‌تواند تا حدودی از بار غم‌ناوایی اصلاح‌طلبان در گرایش به اینکه متناسب با زمان نمی‌داند و نمی‌خواهند بکااهد.

برای دریافتی حسی از این حالت اجازه بدهید چند سؤال بسیار معمولی را مطرح نمایم تا ببینیم که چه عواملی مانع از شکل‌گیری فرایند دانستن و حتی یادگیری در نزد اصلاح‌طلبان و تغییر نگاه حاکمیت در دادن مجال به طرح مطالبات به‌روز می‌شود.

۱- استمرار نگاه انقلابی و تأثیر تئوری‌های

باقی مانده است و از گوشه و کنار شنیده می‌شود که بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان با منطق ابراه از انتقال مطالبات اصلاح‌طلبی با حضور در پای صندوق‌های رای، آماده می‌شوند که در این انتخابات شرکت فعال و تعیین‌کننده داشته باشند که مطمئناً اگر از این دوستان پرسیده شود که شعار محوری و برنامه مبارزات انتخابات و در نهایت آینده نگاشت شما چیست سر به پایین خواهند انداخت و با این توجیه که حالا کی دیده که نهادهای نظارتی و اجرایی اجازه بدهند تا ما شرکت کنیم و یا برنده از صندوق دریابیم تا برای آن شعار محوری انتخاب کنیم و یا برنامه مبارزاتی بدهیم و تازه اگر این اتفاقات افتاد مسلم است که تدوین آینده نگاشت چندان سخت نخواهد بود (این‌های مسلطی را داریم که آن را در همان روزهای بعد از پیروزی تهیه می‌کنند و به اطلاع عموم می‌رسانند) خود را از متن چالشی بیرون قابل‌اطمینانی منتهی به تحولات عمیق نه ساختاری (که انتظار ناممکنی است) بلکه حتی رهگشایانه تبدیل نشده‌است از این جهت است که اصلاح‌طلبان نمی‌دانند که چه می‌خواهند و برای رسیدن به یک توافق عالمانه در مطالبه و تبدیل آن به یک خواست جذاب عمومی و درون‌تشکیلاتی چه باید بکنند!!!

این در حالی است که این عزیزان متوجه نیستند که فرهنگ و شعور انتخاباتی اگر قرار باشد که در متن تحولات مربوط به محل‌های انتخابات و تغییر سمت مستمر تعالی‌یابد یکی از بهترین موقعیت‌ها برای این کار آن‌هم در زمانی که کار منسجم حزبی صورت نمی‌گیرد همین زمان مربوط به کوران مبارزات انتخاباتی است که



تئوری جنگ و انقلاب اسلامی

نقد قدرت و انقلاب اسلامی

مسار را در موضع فعال قرار می‌داد و این کار هم شده بود (تصویب سال ۲۰۰۱ به‌عنوان گفت‌وگوی تمدن‌ها درحالی‌که آمریکا نسبت به این مساله سکوت کرده بود و در موضع انفعالی قرار داشت). حالا ما مدعی صلح‌طلبی هم بودیم؛ به همین راحتی! آیا این دست آورد اندکی بود؟ موهبت الهی نبود؟ آیا این به برکت پاهی و صداقت خون شهدا و درستی راه آن‌ها به دستمان نرسیده بود؟ برکت الهی و امداد غیبی چگونه میاید؟ آیا نمی‌بایست قدر آن را می‌دانستیم و به بهای اندکی از دست نمی‌دادیم؟

از نظر استراتژیک هم جنگ تمدن‌ها میدانی نبود که انقلاب اسلامی به دنبال آن باشد؛ بنابر این تا آنجا که امکان داشت می‌بایستی از این رویارویی پرهیز کرده و حتی با همراهی کردن برای صلح مدعای غرب؟ کمک می‌کردیم تا نظام سرمایه در وضعیت صلح، شکاف‌های ذاتی‌اش به نتیجه رسیده و آنگاه نظاره‌گر تحولات اساسی در جهان سرمایه و به تبع آن در مدیریت جهانی می‌شدیم؛ و اگر هم در آن وضعیت مجدداً موردتهاجم قرار می‌گرفتیم دفاعمان منطقی و موجه به نظر می‌رسید و دنیا را نیز همراه خود می‌داشتیم؛ ضمن آن‌که قطعاً امپریالیسم در چنین وضعیتی اقدام به جنگ نمی‌کرد؛ که متأسفانه در دیگری پی گرفته شد؛ راهی بر وفق سناریوی جنگ‌سالاران آمریکایی یعنی جنگ تمدن‌ها! تجربه جنگ صدام با آمریکا می‌گوید: صدام نمی‌بایست اجازه می‌داد مورد تجاوز قرار بگیرد چراکه بین او و ملتش فاصله و شکاف بزرگی قرار داشت. بدیهی بود که اگر از سوی آمریکا مورد تجاوز قرار می‌گرفت رفتنی بود ولسی او آن قدر بلاهت و حماقت داشت که فکر می‌کرد اگر بگذارد آمریکا بیاید داخل مثل ویتنام مردم پشت او خواهند ایستاد؟ آن قدر دروغ گفته بود که خودش هم باورش شده بود ۱۰۰ درصد مردم به او رأی داده‌اند و خواهان او هستند؟ در حالی خودش هم می‌دانست مردم از روی ترس و تطمیع (ذلت و حقارت) به او رأی داده‌اند و متأسفانه احمق‌ها این‌طوری‌اند دیگر! و یک کشور را هم قربانی حماقت و بلاهت خود می‌کنند. متأسفانه حاکمان فعلی جمهوری اسلامی برای این که جلوی دستیابی و استفاده این ملت از حقوق‌اش را – که به تجربه‌ی موفق خویش به دست آورده‌اند – بگیرند! آن قدر در بوق و کرنا کرده و ذکرین جنگ نرم را بزرگ کرده‌اند که یادشان رفته است برگ برنده‌شان در مبارزه با آمریکا همین مردم و مستضعفین هستند؛ و در طی سال‌ها آن قدر دیوار و شکاف میان خود و مردم ایجاد کرده‌اند که کافی است در پی تخته بخورد آن وقت شاهد آب شدن لبت تو خالی‌شان خواهیم بود!

(ادامه دارد)

می‌داند، متوسل به روح و ذات اصلی خودش – شده است تا از خطر تحولات در امان بماند. از این‌رو به نظر من جنگ تمدن‌ها بازی نظام سرمایه است تا از فروپاشی در امان بماند و جنگ نرم نیز یکی از سناریوهای آن. افتادن در این سناریو در واقع کمک به نظام سرمایه است در تداوم نابرابری‌ها و نجات از فروپاشی آن. راه درست مبارزه با آمریکا همان‌طور که خاتمی گفت: آگاهانه یا حسی؛ گفت‌وگوی تمدن‌هاست. فریدون شایان و جواد فولادی در «عقل در تبعید» می‌گویند:

«اما هم‌زمان با این روند می‌بینیم که گردانندگان این تمدن، معایب خاتمان‌بر انداز خود را به دیگران نسبت می‌دهند و به سایه‌ی بی‌قواره‌ی خود که بر دیوار همسایه افتاده شکاک درمی‌آوردند. اکنون که جنگ سرد به پایان رسیده است به دنبال جنگ صلیبی است. تا آن روح بدبخت با حمله به ضعف‌ها و پلیدی‌های دیگران خود را تندرست و بالنده به پندارد و از این‌رو است که ندامت عمومی یا پروسه‌ی نام‌سازی به اوج خود می‌رسد و وضعی به وجود می‌آید که نه‌فقط افسرد و گروهدا، بلکه ملت‌ها نیز باید ابراز ندامت کنند و تواب شوند. گویا همان‌طوری که بازجویان و مأموران امنیتی در سیاه‌چال‌ها افراد را به ندامت واداشته و مجبور به انزجار از گذشته‌شان می‌کنند، آتش افروزان جنگ صلیبی هم با استفاده از امکانات ماشین جنگی خود می‌کوشند ملت‌ها را به تسلیم و ندامت واداشته و کاری کنند که در برابر آنان زانو نزود و حتی از آن‌هم بدتر، پیوستن به شبکه‌ی جهانی سرمایه‌داری را افتخار خود بدانند.»

گرچه ما برای انقلاب اسلامی رسالت جهانی قائل هستیم، اما وجهه‌ی اسلامی انقلاب با توجه به پیشینه‌ی گرایش‌ات مذهبی این سوء تفاهم را برای دنیا ایجاد می‌کرد که ما به دنبال درگیری مذهبی هستیم. در وهله‌ی اول شیعه و سنی و در مرحله‌ی بعدی اسلام و سایر ادیان! و البته بدیهی بود که پیام انقلاب ما در میان ملت مسلمان نفوذ بیشتری داشته باشد؛ و این مساله برای طراحان سناریوی جنگ تمدن‌ها پنهان نبود و دست‌آویز مناسبی برای بازسازی مجدد جنگ‌های صلیبی. از سوی دیگر در حالت عادی در سایه‌ی جنگ ناخوسته‌است که با آن درگیر بودیم برای این‌که بتوانیم از موضع جنگ‌طلبی و خشونت‌گرایی خارج شویم، می‌بایستی متحمل هزینه‌های بسیار زیادی می‌شدیم تا دنیا را متقاعد بکنیم که جنگ‌طلب نبوده و نیستیم (کما این‌که اکنون در این وضعیت قرار داریم؛ و دقیقاً همین مساله باعث شده که توانیم در کنار ملت‌های انقلابی در منطقه قرار بگیریم)؛ اما «گفت‌وگوی تمدن‌ها» بی‌هیچ هزینه‌ای موقعیت ما را در جهان عوض می‌کرد و انقلاب

که آفریدند وارد شد. نباید تن به قواعد اجتماعی نابرابرانه و استثمارگرانه داد و این ممکن نیست مگر این‌که باید متوجه ریشه شد. باید به باورهای بنیادینی که این مناسبات ناعادلانه و ظالمانه بر آن بناشده‌اند – باور نداشت و باید کافر بود به دین واقعی‌شان (استثمار و دنیاپرستی) و نیز دینی که ساخته‌اند برای ما؟! (فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله) تا بتوان به دین عمل و تلاش (لیس الانسان الا ما سعی) و برابری و توحید رسید.

جنگ تمدنها و استراتژی انقلاب اسلامی
تا آن زمان که خاتمی از گفت‌وگوی تمدن‌ها صحبت کرد، از یک‌سور بر اساس تبلیغات آمریکا در جامعه‌ی جهانی به‌عنوان جنگ‌طلب و حامی تروریسم معرفی شده بودیم و از سوی دیگر بر اساس سناریوهای سیاست خارجی آمریکا – که هنوز سرمایه (پروستتان) محور و جنگی است و در سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در آن هر چند اندک بر محور دانائی بوده‌ایم به دنبال آلت‌رناتیوی برای جنگ سرد بود. از این‌رو جنگ تمدن‌ها هم می‌توانست خلأ ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را پوشانند تا همچنان آمریکا بر روی دوش کشورهای دیگر و در پوشش جنگ‌های دینی (اشاره به مواضع دینی و رسالت دینی جمهوری خواهان و پوش پدر و پسر و اخیراً تراپ)؟! موقعیت رهبری خود را حفظ کرده و با همسختی به تحولات داخلی‌ای باشد که بعد از جنگ سرد نظام سرمایه را به چالش می‌کشید و جنگ سرد مانع بروز این شکاف‌ها شده بود تا آن‌ها بتوانند در سایه‌ی این جنگ دینی و مذهبی، آن تحولات را به نفع نظام سرمایه تحریف کنند. نظام سرمایه برای تکمیل این سناریو نیازمند دشمنی مذهبی بوده و هست که امنیت جهانی را با تروریسم تهدید کند. از سوی دیگر چون انقلاب اسلامی با نفوذی که در میان ملت‌های مسلمان داشت و نیز هنوز توانسته بود از مواضع جنگی دوران دفاع آرمانی و اعتقادی خویش بدر آید، می‌توانست آلت‌رناتیو مناسبی برای ادامه‌ی جنگ سرد؛ یا همان جنگ تمدن‌ها (ادامه جنگ‌های صلیبی که دارای سابقه تاریخی و ملموسی می‌باشد)؛ به حساب آید.

من معتقدم برخلاف تصور بعضی‌ها که با مشاهده‌ی افزایش گرایش‌های مذهبی اعتقاد دارند دنیا به‌سوی مذهبی‌شدن می‌چرخد، جامعه غربی خصوصاً آمریکا در حال پوست‌اندازی از جامعه سرمایه (پروستتان) محور به جامعه دانائی (اومانیستی) محور بوده و گرایش‌ات مذهبی اخیر را در واقع واکنش (حرکت ارتجاعی) نظام سرمایه به تحولات بنیادین پیش رو می‌دانم. در واقع نظام سرمایه دست به دامان مذهب این متحد همیشگی زو و زور و آفریننده و مؤید بازی نابرابری‌ای همان‌طور که ماکس وبر پروتستانیزم را روح و اخلاق سرمایه‌داری

شد از آن پیروی کن که خدایی جز آن ذات یکتا نیست و از مشرکان روی بگردان؛ و اگر خدا می‌خواست آنها شرک نمی‌آوردند و ما تو را نگهبان ایشان نکرديم و تو وکیل آنها نیستی؛ و (شما مؤمنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید تا مبدا آنها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند. این چنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده‌ایم، سپس بازگشت آنها به‌سوی پروردگارشان است و خدا آنان را به کردارشان آگاه می‌گرداند.» (الانعام ۱۰۳-۱۰۸)

از این‌رو قرآن؛ این مانفیست بزرگ مبارزه علیه سلطه و هژمونی، این کلام نورانی الهی؛ بی‌هیچ قید و شرطی؛ قلم و نوشتن و البته نویسنده را گرمی می‌دارد و در طول تاریخ خود همواره بشر را دعوت به تعقل و تفکر نموده است «فبشر عباد الذین يستعینون بالقول فیتبعون احسنه».

شاید از این‌روست که پیامبر اسلام می‌گوید: «المومن کبیر قطن حذر» یعنی انسان مؤمن عاقل، زیرک و هشیار است نمی‌گوید عابد، نمی‌گوید زاهد، نمی‌گوید ساجد، می‌گوید کبیر یعنی آگاه، هشیار، بیدار یعنی کسی که در بازی‌هایی که نظام سلطه طراحی کرده‌اند وارد نمی‌شود؛ «سورای نمی‌دهد؛ آلت دست واقع نمی‌شود؟! قرآن به دینی که صاحبان زر و زور و تزویر ارائه می‌دهند می‌گوید «لھو و لعب» چرا که درواقع یک بازی است. برنده و بازنده دارد؛ یک‌طرف آن برنده است و طرف دیگرش بازنده؛ یک‌طرف آن صاحبان زر و زور و تزویرند و به تعبیر قرآن بلم و باغورا؛ ملأ و مترف و قارون؛ فرعون و نمرود است، طاغوت است و در یک‌کلام «مستکبر»؛ یعنی برتری‌طلب در مقابل برابری‌طلب؛ و در طرف دیگرش آن‌که همه‌چیزش را باخته است؛ مالش را؛ اراده و قدرتش را؛ و از همه مهم‌تر هویت و شخصیتش را؛ برده شده است؛ عبد شده است؛ عبد صاحبان قدرت و ثروت و تزویر و در یک‌کلام «مستضعف». البته مستضعف در قاموس الهی در عین این‌که به معنای «مورد ظلم واقع‌شده» بکار رفته، در عین حال به معنای طالب ضعف هم هست یعنی خودش با اراده‌ی خودش مورد ظلم واقع‌شده؟! و این خیلی مهم است! یعنی در قاموس طبیعت این نیست که کسی بتواند کسی را – که آگاه و هشیار و بیدار و عاقل است – مورد ظلم و استثمار قرار دهد. همان‌طور که در بازی قمار بازنده با پای خودش میاید؛ گول می‌خورد (به طمع بیشتر و پیروزی) مستضعف هم همانند مستکبر مقصر است. عقل هم حکم می‌کند نباید در این بازی وارد شد. نباید گول خورد و در دام وسوس‌الخناس‌ها (موتولیان دروغین دین و ایمان و صاحبان زر و زور) – که دستشان باهم در یک‌کاسه است- یعنی بازی‌هایی

آن را آشکار می‌کنند. بافته‌هایی که تحت عنوان حقایق بخورد مردم داده‌اند؛ در مقابل حقیقتی که از آگاهی برمی‌خیزد؛ تاب مقاومت نداشته و به یک‌باره دود شده و به هوا می‌رود: «بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و باطل بی‌درنگ نابود می‌شود و وای بر شما که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف می‌گردانید» (الانبیاء ۷۸)

«و آنها خدا را آن‌گونه که باید، نشناختند که گفتند: خدا بر هیچ‌کس از بشر کتابی نفرستاده، بگو: کتاب توراتی را که موسی آورد و در آن نور (آگاهی) و هدایت خلق بود چه کسی بر او فرستاد که شما آیات آن را در اوراق نگاشتہ، بعضی را آشکار می‌نمایید و بسیاری را پنهان می‌دارید و آنچه را شما و پدران‌تان نمی‌دانستید به شما آموختند؛ بگو: خداست، سپس آنها را بگذارد تا به بازیچه (باورها و اعمال و حرکاتی که به‌عنوان دین توحید بخورد مردم می‌دهند) خود فرو روند؛ و این (قرآن) کتابی است که ما فرستادیم با خیر و برکت بسیار و گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل اوست و تا خلق را از اهل مکه و هر که به اطراف آن است بیم دهی؛ و آنان‌که به آخرت ایمان آوردند به این کتاب نیز ایمان خواهند آورد و آنها نمازشان را (از شرک و کفر) محافظت می‌نمایند؛ و کیست ستمکارتر از آن‌که بر خدا دروغی بندد و یا وحی به او نرسیده گوید: به من وحی می‌رسد و نیز گوید: من هم محققاً مانند آن‌که خدا فرستاده خواهم آورد؛ و اگر ستمکاران را ببینی آنگاه که در سکرات موت گرفتار می‌شوند؛ و فرشتگان دست برآورد و گویند: جان از تن به در کنید، امروز کیفر عذاب و خواری می‌کشید چون بر خدا سخن به‌ناحق می‌گفتید و از آیات او گردن‌کنشی و تکبر می‌نمودید؛ و محققاً شما یکایک به‌سوی ما بازآمیید آن‌گونه که اول‌بار شما را بیافریدیم و آنچه را که به شما داده بودیم همه را پشت سر و نهادید و آن شیعیان را که به خیال باطل شریک ما در خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم! همانا میان شما و آنان جدایی افتاد و آنچه می‌پنداشتید از دست شما رفت،» (الانعام ۹۱-۹۴)

«او را هیچ چشمی درک ننماید و او همه بینندگان را مشاهده می‌کند و او لطیف و نامرئی و (به همه چیز خلق) آگاه است. آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماس‌ت البته از طرف پروردگار‌تان آمد، پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس که کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما نیستم؛ و این چنین‌س ما آیات قرآن را به انواع گوناگون بیان کنیم (تا وسیله هدایت شود) ولی عاقبت کافران نادان گویند: تو (این‌ها را) به درس آموخته‌ای! و تا آن را برای اهل دانش بیان کنیم. ای پیغمبر هر چه از خدا به تو وحی

کاوه مصدق
kaveh.mosaddegh@gmail.com

دولت‌ها در خلأ و از عناصر ماوراء طبیعی؛ بدون علائق و انگیزه‌های مادی و بشری؛ تشکیل نمی‌شوند. وقتی عده‌ای سکنان هدایت دولت را در دست می‌گیرند؛ س‌س‌وای این‌که ایدئولوژی حاکم بر آن جوامع چیست؛ جهت تحکیم پایه‌های قدرت و نفوذ خویش و سپس تحصیل منافع مادی خود و با استفاده ابزاری از ایدئولوژی و نیز حق انحصاری اعمال خشونت به سرکوبی مخالفان؛ حتی بی‌سلاح؛ خویش می‌پردازند. از سوی دیگر ثروتمندان که آن‌ها نیز به طرق دیگری به استثمار توده‌ها مشغول‌اند، در مقابل توده محروم و گرسنه؛ با دشمن مشترکشان؛ با قدرت متحد می‌شوند. اما آن‌ها که هدایت فکری توده‌ها را در دست دارند؛ و تنظیم‌کنندگان نظام دانائی جامعه هستند؛ به‌راحتی می‌توانند با بسیج و هدایت و رهبری توده‌ها طومار قدرت و ثروت را در هم بینچند؛ چراکه اگر قاعده بازی – که در دستان آن‌هاست – عوض شود دلیلی برای ادامه بازی و سکن‌داری صاحبان قدرت و ثروت باقی نمی‌ماند؛ و چون نباید قاعده بازی به هم بخورد، بنابرین می‌بایست به سراغ رهبران فکری مردم رفت و آن‌ها را هم بر سر سفره گسترده‌ی نابرابری کشاند و سهمی برایشان قائل شد. این چنین می‌شود که اراده تحریف (جعل معنا) و تحمیق؛ جنگ نرم؛ پیدا می‌شود. جنگ نرم، یعنی جنگ صاحبان قدرت و ثروت و تزویر علیه توده‌های محروم و گرسنه و باخته؛ برای استثمار و بردگی آن‌ها؛ همواره در طول تاریخ وجود داشته و پدیدهی جدیدی نیست.

با توجه به اهمیت مذهب و باورهای دینی و تبعیت اکثریت جامعه از آن، صاحبان قدرت و دولت‌ها عموماً؛ یعنی برتری‌طلبان و سلطه‌گران؛ به‌منظور حفظ برتری و نابرابری خود با کمک صاحبان تزویر – که با قرار گرفتن در جایگاه متولیان امر دین – با جعل دین به طراحی مناسباتی می‌پردازند که متضمن نابرابری است. از این‌رو موضع انبیا همواره ضد قدرت و دولت‌ها عموماً و حامی مستضعفین؛ با حکومت شوندگان؛ بوده است. انبیا به اسلح آگاهی به مبارزه با آن (جنگ نرم) برخاسته‌اند. بقول شرعی (قل به مضمون) سوره‌ی عنکبوت به شرح مبارزات انبیا‌ئی می‌پردازد که با سلاح آگاهی واردشده‌اند. قدرت‌های ولادین و چکمه‌های آهنین صاحبان زر و زور و تزویر در مقابله با سلاح آگاهی همچون تارهای عنکبوت سست و لرزان می‌شود؛ چراکه انبیا قاعده‌ی بازی را هدف می‌گیرند و بوجی

آنچه در سومین نشست اعضای ارشد (پلنوم) حزب اراده ملت ایران گذشت

موافق خروج از شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان



● **سیدجمال خضری؛ بازرس حزب و دبیر استان قزوین**
من اصلاً دوست ندارم وجهام و شناختی که دوستان از من دارند خراب شود شساید به نظر حرف‌های دیروز و امروز من دارای تناقض است من از نظر ایدئولوژی و مشی می‌گویم اصلاحات جواب نمی‌دهد باید پا را فراتر بگذاریم و با مردم همراه بشویم اما صحبت امروز من این است که خروج ما از جبهه اصلاحات در شرایط فعلی و در آستانه انتخابات، صلاح نیست ولی اگر فردای انتخابات رأی‌گیری شود موافق خروج خواهم بود. بحث ماندن در شورای عالی و مبارزه کردن است؛ بهتر است دوستانی که به نمایندگی حزب در آنجا حضور دارند بگویند مبارزه کرده‌اند یا نه؛ اگر مبارزه کرده‌اند آیا جواب گرفته‌اند و اگر بمانند و مبارزه کنند جواب می‌گیرند؟ وقتی شناس جواب گرفتن یک‌به‌صد است چه فرقی دارد ماندن و مبارزه بدون نتیجه و اگر نتیجه می‌دهد بمانیم، اینکه در انتخابات قبلی در چند شهر پیروز شدیم این پیروزی ما و اراده ملت نبود بلکه لیستی که برآیند نظر شورای عالی بود و اصلاً مقبول ما هم نبود پیروز شد، مگر شما راضی هستید بمانیم و این نوع بستن لیست تکرار شود. این‌ها را باید توضیح بدهند و عندالزوم بازنگری بشود. پیشنهاد بنده این است که امروز ضرب‌الاجلی تعیین می‌کردیم که ظرف چند ماه می‌خواهیم از شورای عالی خارج بشویم و به‌عنوان اهرم فشار استفاده می‌کردیم به گونه‌ای که می‌آمدند یا ما مذاکره می‌کردند...

یک گنجشک روی درخت نشستست وقت بلند شدن به درخت گفت آماده باش می‌خواهم بلند شوم درخت گفت مگر آمدنت را متوجه شدم که الآن رفتنت را ازینس که سبک‌وزن هستی. اگر این قدر وزن سنگینی داریم که رفتن ما از شورای عالی تأثیرگذار است برویم و اگر نه به‌عنوان ابزار استفاده بکنیم، ارزان‌فروشی نکنیم این‌ها به احزاب و رأی ما احتیاج دارند، دوست دارند در شورای عالی باشیم از همین دوست داشتن باید استفاده بکنیم. با این شرایط فعلی موافق خروج از شورای عالی هستم.

مخالف خروج از شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان



● **احمدعلی غالی؛ دبیر استان یزد**
من توی این موضوع ماندم که شورای عالی از دل شورای هماهنگی، بیرون آمده و اینس دو را نمی‌توانیم تفکیک کنیم

سومین نشست اعضای ارشد حزب اراده ملت ایران (پلنوم) با حضور دبیر کل، اعضای شورای مرکزی و دبیران استانی از سراسر کشور در تهران برگزار شد. این نشست که با دستور جلسه راهبردها و استراتژی‌های حزب اراده ملت در جریانات سیاسی کشور و انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی بود در دو دوره رأی‌گیری از اعضای حاضر تصمیم بر آن شد که حاما ضمن حفظ مواضع انتقادی از رفتارهای غلط گذشته و شکایت از انحصارطلبی‌ها، در قالب ساختارها و سازوکارهای جریان اصلاحات به نقش‌آفرینی بپردازد.

این که می‌گویم همه مشکل دارند در مورد اشخاص حقیقی است اشخاصی که تأثیرگذار هستند؛ یعنی می‌آیند استفاده سوتی می‌کنند، غافل از اینکه هر حزبی هم حزب نیست حزب دو یا سه نفره داریم که عضو هستند و رأی هم می‌دهند. بعضی افراد در جامعه تأثیرگذار هستند ده نسل درست کار کرده‌اند و قتی کسی می‌خواهد کاندید بشود می‌رود با این‌ها عکس می‌گیرد و پخش می‌کند این‌ها صاحب‌رأی و مردم پشت سر این‌ها هستند ما اگر می‌خواهیم برد داشته باشیم باید مردم را داشته باشیم ما در ایران قانون داریم آیا رعایت می‌شود؟ ما آمدیم یک سیستم درست کردیم این جبهه اصلاحات را به‌راحتی نمی‌تواند خرد کنند اما اگر تک‌تک باشیم خرد می‌شویم نمی‌گذارند کار کنیم. ما هم نقد داریم حتی به آقای خاتمی؛ ولی این غلط است که جدا شویم ما آمده‌ایم کار بکنیم برای چه کسی؟ اگر رأی نیاوریم در مجلس کاری نمی‌توانیم بکنیم. در شورای مشورتی عارف می‌خواستند فرد دیگری را استاندار بکنند ما نگذاشتیم و آدم خودمان را فرستادیم آمدیم تهران فلان کس و فلان کس را دیدیم و ... ما جایگاه خوبی داریم درست نیست موقعیت حزب را از دست بدهیم ما دبیر کل خوب و شناخته‌شده داریم باید برویم در کشور، استان و محله رأی جمع کنیم.

موافق خروج از شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان



● **علی مهری؛ عضو شورای مرکزی**
دوستان فکر نکنید کار تمام است، اینکه دوستان می‌پرند این گزینه ابهام دارد یک‌بار رأی داده شد نظر عده‌ای این است که در شورای هماهنگی بمانیم و الآن بگویم در شورای عالی نباشیم و این به حساب شما درست در نمی‌آید؛ باید تفکیک بشود. نتیجه رأی‌گیری هر چه باشد خودش عین شفافیت و ابهام‌زدایی است.

من همیشه طرفدار حزب بوده‌ام و آرمان‌گرا، امروز را نمی‌بینم بلکه بیست سال بعد را می‌بینم. این عملکرد امروز ما را آن موقع می‌آوردن جلوی چشم ما. میدانیم شورای هماهنگی بسیار ضعیف است اگر اعضای شورای هماهنگی باهم اتحاد داشتند شورای عالی شکل نمی‌گرفت. البته این اختلاف‌نظر بود که آقای خاتمی مجبور شد برای حل مشکل چند نفر آورد به‌عنوان اشخاص حقیقی اضافه کرد و نتیجه‌اش این شد که می‌بینیم.

درست است که این اشکال که احزاب از پایین به بالا شکل نگرفته‌اند یا اینکه بعضی حزب‌ها دو سسه نفره هستند، وارد

ایسن تصمیم همراه با رویکردهای حکمرانی حزبی یعنی همان حمایت از کاندیدای احزاب همسو خواهد بود. حزب اراده ملت معتقد است عدم پاسخگویی در جریان لیست امید بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف این لیست بود که تنها راه حل علاج آن حکمرانی احزاب در جریان انتخابات است. طی این نشست دروزنه تعدادی از اعضای ارکان حزب و دبیران استانی در موافقت با گزینه‌های خروج و یا ماندن در جبهه اصلاحات و شورای عالی سیاستگذاری جبهه اصلاح‌طلبان به ایراد سخن پرداختند که به همت زهره رحیمی و علی هادیان در چند شماره منعکس می‌شود.

موافق خروج از شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان



● **افشین فرهانچی؛ عضو شورای مرکزی**
همان‌طور که دوستان اذعان داشتند و رأی دادند، ما در جبهه اصلاح‌طلبان هستیم و در تشکیل اصلی یعنی شورای هماهنگی هم حضور داریم. حالا در خصوص یک مکانیسم انتخاباتی صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم برای انتخابات تصمیم بگیریم. من از سه زاویه به موضوع نگاه می‌کنم: اول از زاویه منافع حزبی؛ در حزب ما تا حالا ششش نفر در شهرستان‌های مختلف اعلام نامزدی کرده‌اند و سه نفر هم اعلام کرده‌اند که در حال فکر و جمع‌بندی هستند که می‌شود حدود ده نفر! حالا شاید دکتر حکیمی پور و جناب صمدی و غیره هم بعداً اضافه بشوند. ما ده نفر نامزد داریم و اگر به شورای عالی برویم احتمالاً فقط یک نفر می‌ماند. چون الآن جناب قندهاری ما در گسرگان پیش آن غول‌ها شانس برای رفتن داخل لیست ندارد. جناب تراکمه در رزن و جناب فتحعلی حسینی در همدان و جناب خواجه تراب در آزادشهر هم شانس برای رفتن در لیست ندارند. لیست نامزدهای شورای عالی تقریباً مشخص است. بالا برویم، پایین بیایم، ما نمی‌توانیم در لیست فعلی نیرو داشته باشیم. جناب کشاورز گفتند شورای شهر ما توانستیم در لیست نیرو بفرستیم، ولی یک تفاوت وجود دارد! در شورا تعداد اعضا لیست بسیار زیاد است و ما شانس بیشتری داشتیم که در لیست‌ها نامزد داشته باشیم. ما باین همه توان و زور در همدان نمی‌توانیم آقای فتحعلی حسینی را در لیست قرار بدهیم چون آقای لقمانیان، آقای افخمی و فلان و فلان آنجا نشسته‌اند و در برابر آنها ما توانی نداریم. پس رفتن به شورای عالی یک ضرر کلی دارد حالا شانس بیاوریم در کل کشور یک نفر را بپذیرند یا نپذیرند!

دوم از زاویه حکمرانی حزبی؛ همان‌طور که آقای صابری اشاره کرد حکمرانی و حاکمیت حزبی با فرایند شورای عالی معطل می‌شود. مشکل شورای عالی، مشکل افراد حقیقی و حقوقی نیست. کل فرایند، فرایندی هست که با حکمرانی حزبی تناقض دارد. مگر قرار نبود یک سازوکار انتخاباتی باشد، پس چرا چهار سال کشش دادند و آن را تا ۱۴۰۰ ادامه دادند. این شورای تشکیل شد تا شورای هماهنگی احزاب تضعیف بشود و در عمل هم تضعیف شد. در بعضی از استان‌ها ما زیر بار این رفتیم که دو شورا (هماهنگی و عالی) یکی بشوند، حالا در بعضی از استان‌ها مثل همدان، ما زیر

بار این نرفتنیم، و قتی انتخابات تمام شد رئیس ستاد انتخاباتی آقای روحانی آمد و گفت منم هستم گفتیم چون شما متعلق به هیچ حزبی نیستید بفرمایید خانه خودتان! بعضی جاها مثل استان البرز بی احتیاطی کردند و آن نیرو را برند داخل شورا هماهنگی و الآن هر دو شورا یکی شده است. من هم قبول دارم باید به فرایند منطقه‌ای نگاه کنیم اما دوستان ما یک حزب ریشه‌دار هستیم و یا جای پای حزب‌های ریشه‌دار قدیمی دموکراتیک حامی ایران گذاشته‌ایم. ما باید حرفی برای گفتن به آیندگان داشته باشیم. جدا شدن از شورای عالی با کم کردن تبعات تصمیم اول (خروج از شورا) هماهنگی) می‌تواند به ما این کمک را بکند که برای آینده خودمان را آماده کنیم.

سوم از زاویه منافع نامزدها؛ ما اکنون ده نفر را به‌عنوان نامزدهای حزبی انتخاب کرده‌ایم؛ یعنی وقتی ما از شورا خارج بشویم، از فردا این آقای خضری ما شروع می‌کند در منطقه خودش کار کردن و رأی جمع کردن. ما هم هم‌قسم می‌شویم که پشت سر ایشان باشیم. طبق روال شورای عالی در بهمن‌ماه و بعداً اینکه صلاحیت‌ها تأیید شد، لیست را می‌بندد. شورای عالی در خیلی از حوزه‌ها می‌رود از اصول‌گراها نامزد می‌آورد اما از ما نمی‌خواهد بیاورد، پس چطور با این‌ها بازی کنیم؟ شورای عالی اصلاح‌طلبان همدان در انتخابات قبل رفت آقای حسینی حلم اصول‌گرا را آورد و گفت این لیست امید ماست. چرا این دفعه نیاورد؟! پس ما با خروج از شورای عالی، این توانایی را داریم که بازی انتخاباتی را بدون هیچ دعوایی و بدون هیچ تششی با شورای عالی و بر اساس نامزدهای خودمان جلو ببریم؛ و در بهمن‌ماه این اجازه را داریم که بدون داشتن هیچ تعهدی - چه اخلاقی و چه تشکیلاتی- با هر گروه یا فردی که صلاح دانستیم ائتلاف کنیم. مثلاً می‌توانیم با اعدتال و توسعه ائتلاف کنیم یا با ششورای عالی ائتلاف کنیم. می‌خواهیم از نامزد حزب همبستگی حمایت کنیم، در این صورت به‌عنوان یک حزب مستقل نیازی نیست با ۴۰ نفر مشورت کنیم، بلکه مستقیم با خود نامزد همبستگی مذاکره می‌کنیم و در قبل حمایتان از ایشان مطالبات خود را می‌خواهیم. برای همین پیشنهاد من این است که به‌عنوان یک حزب اصلاح‌طلب در شورای هماهنگی در انتخابات با مواضع مستقل شرکت کنیم. برای انتخابات نامزد خودمان را داشته باشیم و همین ده نامزد را به سرانجام برسانیم؛ و در ماه آخر (بهمن‌ماه) با هر کس که خودتان صلاح می‌دانید و در هر شعبه‌ای بر اساس موازین تعیین‌شده نظیر اینکه حزبی باشد و ... دست به ائتلاف می‌زنیم. بسا این روش، یک مزیت پنهانی هم وجود خواهد داشت. الآن نامزدهای اصلاح‌طلب می‌گویند ما فعالیت نمی‌کنیم و منتظریم، ببینیم داخل لیست می‌رویم یا نه؟ ولی نامزد ما خیالش راحت است، چه در لیست برود یا نرود، ما پشت نامزد خود ایستاده‌ایم، لذا فعالیت خود را مجدانه پیگیری خواهد کرد و در این راستا حزب و اهداف حزب نیز برجسته خواهد شد.

و نهایتاً اینکه هر حزبی در شورای عالی باشد، باید متعهد شود که نظر آن شورا را نپذیرد، برای همین بحث من این است به خاطر منافع عموم مردم، سابقه تاریخی و نقش تاریخ‌ساز حزب اراده ملت ایران، به خاطر حکمرانی حزبی و در مرحله آخر به خاطر منافع نامزدهای خودمان لازم است در این مقطع زمانی از شورای عالی بیرون بیایم و مشی انتخاباتی مستقل داشته باشیم و در بهمن‌ماه با هر گروهی و فردی وارد مذاکره و ائتلاف شویم.



به بهانه ۲۵ نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان، کمیته زنان حزب اراده ملت ایران (حاما) بررسی می کند:

توانمندسازی زنان در جامعه مهم ترین راه حل مبارزه با خشونت علیه زنان



خشونت علیه زنان یکی از مشکلات مهم زنان از منظر حقوق بشر بوده است که به فرهنگ و طبقه اجتماعی خاصی اختصاص نداشته و با شدت و ضعف در تمام ادوار تاریخ وجود داشته است. هر نوع آسیب رساندن به زنان و تهدید سلامت آن‌ها، آثار و عواقب نامطلوبی در ابعاد مختلف جسمانی، روانی، اقتصادی و جنسی نمتها برای این قشر از جامعه، بلکه برای آحاد جامعه انسانی در پی خواهد داشت. اهمیت نقش زنان در جامعه در پرورش نسل‌های حال و آینده نمود پیدا می‌کند که منتهای آن تأثیر شگرفی در رشد و توسعه جامعه خواهد بود. بنابرین، خشونت علیه زنان یک نگرانی عمده بهداشت عمومی و حقوق بشری است که زوایای مختلف سلامت عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که در موارد بسیاری خشونت علیه زنان در جوامع مختلف به دلایلی همچون فقدان حمایت قانونی کارآمد از آنها پنهان می‌ماند. خشونت علیه زنان را در شکل‌های مختلفی می‌توان مشاهده کرد: ضرب و شتم، اعمال سنت‌ها و باورهای زیان‌آور، خرید و فروش زنان، سو استفاده جنسی زنان، تجاوز جنسی به زنان، آزار رسانی کلامی، ختنه زنان و دختران، قتل‌های ناموسی، ازدواج‌های اجباری و زودهنگام، خشونت در تهیه جهیزه، آزار رسانی جنسی در محیط کار، جنسیت‌گزینی قبل از زایمان، و دختران، خشونت در زندان‌ها به هنگام مناقشات، خشونت علیه زنان بی‌پناه و بی‌خانمان، خشونت اقتصادی و... نمونه‌ای از خشونت‌هایی است که در خانواده و اجتماع علیه زنان صورت می‌گیرد. بسیاری از اعمال خشونت علیه زنان در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود و ابعاد دیگری از این خشونت به صورت قبیله‌ای یا قومی ممکن است اجرا شود. به گزارش ایشنا در سال ۱۳۹۷ و طبق آمار جهانی ۳۳ درصد زنان در جهان و ۶۶ درصد زنان در ایران با خشونت مواجه شده‌اند.



نگار نغینی
قائم مقام کمیته زنان (شرق کشور)
Negar743nm@gmail.com

• بیان مساله:

خشونت علیه زنان از زوایای گوناگون در محیط خانواده و اجتماع، چرایی، چگونگی، پیامدها و اهمیت شناسایی این ابعاد در رشته‌های مختلف، از جمله حقوق، جامعه‌شناسی و روانشناسی همواره موضوع بحث بوده است. زنان در گذشته به دلیل سنت‌های موجود در جامعه درواکنش به این موضع رفتار منفعلانه‌ای داشته و یا خود به دلایل حفظ آبرو یا به اجبار به سکوت سوق داده می‌شدند، اما در سال‌های اخیر با توجه به سطح پیشرفت در جامعه و حضور پررنگ زنان در اجتماع و افزایش آگاهی ایشان رفتار فعال‌تری در قبال خشونت دارند. اما از آنجایی که مردان و زنان هنوز در دنیایی نابرابر زندگی می‌کنند، خشونت علیه زنان

دهه‌های اخیر یکی از موضوعات مهم حقوق بشری و یکی از چالش‌های بزرگ در حوزه داخلی و بین‌المللی بوده است. بنابرین بیان این مساله در شرایط حال جامعه و ارائه راهکاری مناسب در این زمینه ضرورت دارد.

• مفهوم لنوی خشونت:

خشونت در لغت به مفهوم پر خاشگرگی و سخت‌گیری آمده و با کلماتی همچون درشتی، زبری، خشم به violence و تندخویی مترادف شده است (معین، ۱۳۸۱). در متون تخصصی خشونت معادل واژه کار می‌رود که به معنای عنف و بی‌حرمتی نیز کاربرد دارد از حق‌شناسی و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره: انگلیسی-فارسی، ۱۳۷۹). خشونت چنین تعریف شده

است: "خشونت استفاده غیرقانونی یا غیرمجاز از قدرت است که معمولاً با شدت، نفرت یا خشم همراه است" (دهخدا، ۱۳۷۷).

• تعریف خشونت علیه زنان:

برای خشونت علیه زنان، تعاریف متنوع و متعددی از این عبارت بیان شده است و بر اساس همین تعاریف نیز برداشت‌های متفاوتی در جوامع مختلف از خشونت علیه زنان و اشکال آن پدید آمده است. اولین و جامع‌ترین تعریف رسمی ارائه‌شده در رابطه با این مفهوم در "اعلامیه رفع خشونت علیه زنان قابل ملاحظه است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۸/۱۰۴ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ اعلامیه مذکور را به تصویب رسانید. این اعلامیه

دارای یک مقدمه و شش ماده بوده و نخستین سند حقوقی بین‌المللی است که به‌طور خاص مسئله مبارزه با خشونت علیه زنان را در عرصه جامعه جهانی مطرح می‌کند. مساده یک آن عبارت خشونت علیه زنان را تعریف می‌کند: "در این اعلامیه، خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت - خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی - که به آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی یا تحمیل رنج به زنان منتهی شده یا احتمال رنج و آزار آنان را، از جمله تهدید به انجام این اعمال، محرومیت‌های اجباری یا خودسرانه - خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی - موجب شود." (اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، ۱۹۹۳)

• پیامدهای خشونت علیه زنان:

آثار و عواقب این رفتارها در اجتماع و خانواده و نه تنها جسم و روان زنان آسیب‌دیده را به‌شدت مورد حمله قرار می‌دهد، بلکه از آنجایی که زنان بخش مهمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند، صدمات متحمل شده را خواسته یا ناخواسته به پیکره خانواده خود و جامعه منتقل می‌نمایند در نتیجه سایر افراد جامعه نیز تحت تأثیر سو این پیامد قرار می‌گیرند بنابرین می‌توان گفت، این پیامدها به صورت جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی قابل‌بررسی می‌باشند.

• دلایل خشونت علیه زنان:

با توجه به بررسی‌های مختلف صورت گرفته می‌توان گفت، دربروز خشونت علیه زنان می‌توان به مکانیسم‌های رفتاری در خانواده، نظام آموزشی و جامعه اشاره کرد. به‌طور کل نظام آموزشی به‌جای این که نگرش صحیحی نسبت به زن و مرد را نهادینه سازند، صرفاً تلاش کرده‌اند از طریق جداسازی و یا تبیین ممنوعیات، آسیب‌های مربوط به جنسیت را کنترل کند. با توجه به این که در جامعه امروزی مردان و زنان در کنار یکدیگر به کار و فعالیت و تحصیل مشغول‌اند، به نظر می‌رسد باید تعامل و ارتباط و نگرش مناسب برود جنس را آموزش داد. تغییر و اصلاح نوع تفکر و نگاه که نسبت به زنان و اصلاح فرهنگ جنسیتی که زنان را به‌عنوان شهروندان درجه دوم در

نظر گرفته و توجه به کرامت ذاتی زن و قابلیت وی در نقش‌آفرینی فعال در امور اجتماعی، نیازمند عزم جدی و مشارکت فعال خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی است. البته باید این نکته نیز باید مد نظر باشد که سیاست‌پیشگیرانه و حتی سیاست مقابله‌ای مناسب می‌بایست بر دو رکن مهم یعنی جلوگیری از اعمال خشونت و پیشگیری از پذیرش خشونت توسط زنان استوار باشند.

• راهکارهای پیشگیرانه:

از نگاه کارشناسان و محققین در حوزه زنان راهکارهای پیشگیرانه فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان برای کاهش خشونت علیه زنان در نظر گرفت: ۱- حمایت‌های قانونی مناسب و کارآمد و اجرای برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌های حقوقی به زنان قربانی خشونت ۲- یادآوری و تکرار این حقیقت که خشونت رفتاری غلط و غیراخلاقی و ابزاری نامناسب برای اثبات قدرت است.

۴- تشکیل کمیته‌های ملی و استانی منع خشونت علیه زنان زیر نظر بالاترین مقام اجرایی کشور و الزام نهادهای دولتی به ایجاد واحدهای منع خشونت درون سازمان‌ها و ادارات دولتی و اختصاص بودجه مناسب به آنها در برنامه بودجه. ۵- تبلیغ و گسترش ایجاد خانه‌های امن در سراسر کشور. ۷- تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای ناصواب. ۹- اختصاص بودجه کافی برای حمایت، اصلاح و درمان قربانیان بالقوه و بالفعل. ۱۱- تقویت عزت و اعتمادبه‌نفس در قالب برنامه‌های توانمندسازی سبب می‌گردد زنان

اولویت بندی حقوق زنان

۲- اکثریت این فعالان این گونه می‌اندیشند که خواسته‌های طبقه متوسط نمایانگر نیازهای اساسی تمامی زنان جامعه است. باید دید که تنها با استادیوم رفتن مشکلات عمیق این قشر حل خواهد شد؟ اگر در مناطق روستانشین دختران دارای مدرسه و معلم باشند هم باسوادتر هم آگاه‌تر هم بینا خواهند شد، همین فقدان آگاهی و مشکلات اقتصادی در شهرها نیز به چشم می‌خورد هرچند نسبت آن به روستا خیلی کمتر است. در نتیجه یکی از دلایل عدم موفقیت فمینیسم در ایران عدم توجه به اولویت‌بندی‌های زنان با توجه به طبقه و جمعیت فرهنگی است که در آن زیست می‌کنند. تشخیص نادرست نیازها باعث هدر رفت نیرو و انرژی و گاه‌ا باعث افزایش هزینه‌ها حاصل از آن خواهد شد.

مهم‌ترین کارهایی که می‌توان انجام داد آگاه‌سازی: زنان نسبت به خود و توانایی‌هایی که دارند؛ خانواده‌ها نسبت به فرزندان دخترشان؛ جامعه نسبت به رفتار با زنان و پذیرش اینکه زن کشگر است نه منفعل و فقط موجودی برای ادامه نسل و تولیدمثل نیست. و در آخر، مسائل زنان در ایران و یا هر جای دیگری با رنگ آمیزی و زیبا کردن و بتیرین حل نخواهد شد، تمامی کسانی که به‌نوعی با این معضلات درگیر هستند باید ریشه و بن مشکل را یافته و بعد برای یافتن راه‌حش تلاش کنند.

در روستایش ازدواج را به ادامه تحصیل ترجیح می‌دهد اولویتش رفتن به استادیوم است یا داشتن یک مدرسه در روستای محرومش؟ می‌دانیم که دختران و زنان شهرنشین به‌خصوص کلان‌شهرها کمتر با این مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند، طبعاً دختران روستانشین در معرض آسیب‌های بیشتری قرار دارند، بنابرین ابتدا باید مشکلات اساسی زنان را اولویت‌بندی کرده و سپس برای کاهش این نابرابری‌ها نقشه‌راهی تدارک دید. باید فهمید که هر جامعه و طبقه‌ای از زنان دارای مسائل خاص خویش است، به نظر من فرهنگ‌سازی و در کنار آن آگاه‌سازی از اولین گام‌های اساسی است که باید در راستای احقاق حقوق زنان انجام داد، زیرا فرهنگ و آگاه‌سازی توأمان از مسائل زنان هر دو جامعه روستایی و شهری است لکن زنان و دختران روستانشین چه از نظر فرهنگی و چه اقتصادی دارای معضلات بیشتری هستند، اینجاست که نقش فعالان حقوق زن بیش‌ازپیش پررنگ‌تر می‌شود چراکه هنوز هم در اولویت‌بندی دچار اشتباه هستند گویا این افراد تنها مشکلاتی که در ارتباط با قشر متوسط و حتی بالاتر از متوسط شهری است، می‌بینند، درحالی‌که از خواسته‌های اقشار متوسط به پایین و حتی فقیر جامعه آگاهی کافی ندارند و این اتفاق ناخوشایند می‌تواند به چند دلیل باشد:

۱- دور ماندن فیزیکی و معنوی از این بخشی جامعه که به خاطر فقر شدید یا نبود مدرسه یا معلم مناسب

جریان روشنفکری در حوزه زنان ایران را می‌توان با اغماض به قبل از دوره رضاشاه یا حضور زنانی چون بی‌بی مریم و زینب پاشا نسبت داد، پرداختن به مباحث تاریخی این موضوع تا حدودی گسترده است در این یادداشت بیشتر به نقش مدعیان حقوق زنان در عرصه حق زن خواهم پرداخت. بسیاری از زنان ایرانی در داخل و خارج از کشور درباره حقوق زنان صحبت کرده و نظرات و راه‌حل‌های مختلفی ارائه می‌دهند که چه‌بسا این نظرات از طرف طیف‌های مذهبی یا غیرمذهبی باشد لکن دچار نواقصی است.

بهرتر است برای واضح‌تر شدن مسأله، با ارائه مصادیق مطلب را ادامه دهم. در چندین سال اخیر یکی از مهم‌ترین مطالباتی که در باب حقوق زنان مطرح‌شده حضور زنان در استادیوم‌ها و ورزشگاه‌ها است، مسأله ای نه‌چندان پیچیده که در اکثر کشورها امری رایج است و تا چندی پیش در ایران برای زنان سرزمین ممنوع بود. این موضوع تمامی ذهنم را درگیر کرده‌بود که حدود دو یا سه ماه گذشته مستندی در صداوسیما درباره روستایی محروم در استان اردبیل دیدم. در این روستا نه دبیرستانی بوده نه مدرسه راهنمایی و نه معلمی که دختران برای ادامه تحصیل به آنجا بروند و حتی نود درصد این دختران به خاطر نبود امکانات مالی خوب و تحت اجبار در سنین پایین ازدواج می‌کنند، رفتن به استادیوم یک حق ناگفتنی از زنان ایرانی است اما باید دید دختری که به خاطر فقر شدید یا نبود مدرسه یا معلم مناسب



نرگس مهری
مسئول کمیته فرهنگی دفتر تهران حزب اراده ملت
narges.mehri1367@gmail.com

مدت‌هاست که به‌عنوان یک زن در این دنیا زندگی کرده‌ام و همیشه وجود نگاه‌های سنگین جامعه را از کودکی تا به کنون درک کرده‌ام و هرچقدر که بزرگ‌تر می‌شدم بیشتر متوجه این واقعیت ناگوار و گاه تلخ بر علیه زنان می‌شدم. تا اینکه با واژه‌هایی چون فمینیسم که فراوان از این وروان‌ور مطرح می‌شد آشنا شدم موضوع جذابی بود به مطالعه درباره آن ادامه دادم و فهمیدم که چگونه زنان کارگر انگلیسی اولین بار برای گرفتن دستمزدها برابر با مردان، آغازگر حرکتی شدند که بعدها به فراتر از مرزهای انگلستان راه یافت تا آنجا که در آثار نویسندگان بزرگی چون سیمون دوبوار دیده می‌شود. درواقع جامعه صنعتی انگلیس از زنان به‌عنوان ابزاری به‌منظور تولید هر چه بیشتر جهت هر چه ثروتمندتر شدن استفاده می‌کرد که در آن دوران این گونه مبارزات تا حدود زیادی جلوی این شیوه استثمار را گرفت؛ البته نباید نقش جدید رسانه‌ها در استفاده ابزاری از زنان را نادیده گرفت، در بازتولید الگوی زن زیبا و صنعت مد و فشن که بازهم جسم زن محور اصلی این تولید است.





گزارش مجمع عمومی حزب اراده ملت ایران دفتر شهرستان مرودشت



زارع:

**حضور مردم به عنوان پایبندان
عدالت و سلامت اداری در هر
حوزه های ضروری است**

حسین زارع عضو هیئت اجرایی حزب اراده ملت ایران دفتر مرودشت در چهارمین مجمع حزب اراده ملت به عنوان اولین سخنران ضمن خوش آمد گویی و تریک برگزاری این مجمع باشکوه گفت: حزب اراده ملت در طول چهار سال گذشته توانسته به صورت سالانه مجامع خود را برگزار کند و با همراهی تمامی اعضای خود در شهرستان فعالیت های گوناگونی در تمامی حوزه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی ورزشی ایفا نموده، به جرأت می توان گفت فعالیت های گسترده حامای مرودشت نگاه مردم را به امر تحزب و کارکردهای تشکیلاتی تغییر داده و خدا را شاکریم که در این راه سخت مسئولین محترم شهرستان نیز در حمایت از ما سنگ تمام گذاشتند. مهندس پیکری فرماندار محترم شهرستان حمایت های بی دریغی از امر تحزب و باز شدن فضای سیاسی در شهرستان داشته که بسیار قابل قدر دانی است.

زارع افزود: امروز اگر نمایندگان و مسئولین در سراسر کشور از فیلتر احزاب انتخاب و به رأس امور گماشته می شدند نمی توانستند از پاسخگویی به مردم شانه خالی کنند. این روند متأسفانه به آنجا رسیده که برخی مسئولین در حد یک جلسه پرسش و پاسخ با مردم انرژی نگذاشته اند. قطعاً چنین رویکردی خسارت های قابل توجهی به مدیریت کلان کشور وارد می کند. حضور مردم به عنوان پایبندان عدالت و سلامت در هر حوزه مدیریتی واجب و ضروری است. این فعال سیاسی اصلاح طلب در پایان گفت: شورای هماهنگی احزاب اصلاح طلب فعالیت های موفقی در طول چند سال گذشته داشته است اما این فعالیت های اصلاحی کافی نبوده و جای کار بیشتری دارد.

مرودشت، پیکری فرماندار شهرستان مرودشت و همچنین مبلغ عضو شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان به ایراد سخنرانی پرداختند. پس از پایان سخنرانی ها با حضور بخشدار مرکزی شهرستان انتخابات هیئت اجرایی حامای مرودشت برگزار شد که نتایج آن به ترتیب رأی بدین شرح می باشد: حسین زارع، اسفندیار هدقان ناصرآبادی، امان الله رحیمی، حجت الاسلام جعفر نامدار، رباب ابراهیمیان، همچنین ابوذر رحیمی به عنوان بازرس هیئت اجرایی انتخاب شد.

مبلغ عضو شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان:

جمهوریتی که امام تعریف کرد با وضع موجود سازگاری ندارد

پاسخگو باشید که چرا این مجلس این گونه شده است. باید اقتضات جمهوریت رعایت شود تا انتخابات آزاد برگزار شود و اگر نتواند این موضوع تبعات ناگواری برای جامعه پیدا می کند. پروکراسی ناکارآمد سراسر کشور را فرامی گیرد و دیگران از ترس رد صلاحیت حتی دیگر حرف هم نمی زنند. بررسی صلاحیت فرد ضروری است اما با مکانیسم سالم و درست، فضا طوری است که تمام نیروهای کارآمد حذف می شوند. فساد و حشمتاک در دستگاه های مختلف ریشه در نگاه های سیاسی دارد. شفافیت یکی از نقاط قوت جمهوریت است، همه باید پاسخگو باشند. در شفافیت هم تبعیض قائل می شوند؛ و این موضوع باعث شکل گیری چاپلوسی و شکل گیری فسادهای گسترده می شود. در این رابطه اگر مدیران شجاع نتوانند وارد نهادهای مختلف شوند همین موضوع منشأ رانت و فساد خواهند شد. چرا فساد قاضی های فاسد دادگاه برگزار نمی شود. چرا فقط به عدد برکناری اشاره می شود. تبعیض یعنی همین. ما مخالف مبارزه با فساد نیستیم بلکه طبق گفته رئیس جمهوری میگوییم باید مبارزه با فساد به دور از تبعیض باشد.

ما اصلاح طلبان می خواهیم این نظامی که به بهای اینبارگری های تاریخی ملت تأسیس شده حفظ و احیا شود. ما دنبال این هستیم، باین حال نباید نا امید شویم. برخی دستان در پی نا امید کردن جامعه هستند؛ و این ناامیدی را در بین اصلاح طلبان نیز تزریق می کنند. همیشه از خودمان بیرسیم اگر ما ناامید شویم بعدش چه می شود؟ آیا این خبر مردم درش است؟ آیا اگر اصلاح طلبان هم نا امید شوند و در خانه بنشینند مردم عاقبت به خبر می شوند؟ در هیچ شرایطی حتی در نظام طاووت هم حق ناامیدی نداریم. این راه جز امید به وحدت هم نیاز دارد. اصلاح طلبان در این کوران مشکلات می دانند که اختلاف بین خودشان سم است. منافع شخصی و جناحی باید کنار برود و منافع ملی جایگزین شوند. منافع عمومی تأمین نشود هیچ منفعت شخصی نیز تأمین نمی شود. باید مراقبت کنیم اختلاف به وجود نیاید و وحدت خودمان را حفظ کنیم

به گزارش حامانوز چهارمین مجمع عمومی حزب اراده ملت ایران دفتر شهرستان مرودشت با حضور مرتضی مبلغ عضو شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان، فرماندار مرودشت و جمع کثیری از فعالین سیاسی و اعضای حزب، در محل مرکز همایش های مهر در شهر مرودشت برگزار شد.

در بخش ابتدایی این مراسم که به صورت عمومی برگزار شد زارع عضو هیئت اجرایی حامای



**رهام پیکری فرماندار ویژه شهرستان مرودشت:
حامای فعال ترین حزب در شهرستان
مرودشت است**

پیکری فرماندار ویژه شهرستان مرودشت و معاون استاندار فارس در جریان چهارمین مجمع عمومی حزب اراده ملت شعبه مرودشت ضمن تریک برای برگزاری این مراسم باشکوه گفت: حضور من در جایگاه فرماندار بابت همسویی با دولت تدبیر و امید بود. ما امروز نباید از فعالیت ها و کنشگری ها بترسیم و باید شجاعت داشته باشیم و محکم پای کار بایستیم. این سخن بدان معنا نیست که قانون را نادیده بگیریم بلکه با رعایت تمام موازین قانونی و حقوقی که برای همه ما تکلیف شده جلسات رو برقرار کنیم و نسبت به اتفاقات جامعه و کشور احساس مسئولیت کنیم.

فرماندار مرودشت اظهار داشت: خوشبختانه توانسته ایم طوری عمل کنیم که شهرستان مرودشت از فضای سیاسی خوبی برخوردار شده به همین منظور مجموعه فرمانداری مرودشت در خدمت تمامی احزاب و گروه های سیاسی است. این موضوع لطف ما نیست بلکه ذات کار ما این است که در خدمت تمامی افراد و گروه ها باشیم. ما دنبال خط کشی بین احزاب و گروه های نیستیم بلکه تمامی این جریان ها حضورشان واجب ضروری و مشر ثمر است.

وی ادامه داد: بنده بارها گروه های سیاسی فعال در شهرستان را تشویق به فعالیت بیشتر کردم و می گویم فعالیت احزاب هیچ سقفی ندارد حتی جا دارد که احزاب فعال در استان ورود کنند به گرفتن مراسمات مانند یادواره شده.

معاون استاندار فارس افزود: خوشبختانه با رویکردهای دولت تدبیر و امید امروز به دوران اصلاحات بازگشتیم شاید قدرتان زمان را نداشته باشیم اما تفکرمان با آن همسو است. وجود احزاب به معنای ایجاد دموکراسی است. امروز نباید به حداقل ها قانع بود. حزب اراده ملت شعبه مرودشت انصافاً گل سرسید احزاب فعال در شهرستان می باشد. در این شهرستان بیش از ۴۰ ثمن فعالیت دارد. بیش از ۷ حزب پروانه فعالیت گرفته اند. فعالیت در جهت قانون مداری و زیربنای دموکراسی را باید از احزاب شروع کرد.

